

راهنمای آزمون

متقاضیان شهروندی انگلستان

مطالب ذیل ترجمه سه بخش از کتاب

زندگی در انگلستان

منتشره توسط وزارت کشور بریتانیای کبیر میباشد.

ترجمه: و - ت

یک دگرگونی اجتماعی

Migration to Britain

مهاجرت به بریتانیا

اگر ما به اندازه کافی در زمان به عقب برگردیم ، ممکن است تقریبا همه کسانی را که امروزه در بریتانیا زندگی می کنند در قسمت های دیگری از دنیا در سرزمین های مادریشان ببینیم . ما یک ملت مهاجر هستیم ، که قادر به ردیابی ریشه هایمان در کشورهای سرتاسر اروپا ، روسیه ، خاورمیانه ، آفریقا ، آسیا و در کناره های دریای کارائیب هستیم . در گذشته گروه های مهاجر به جهت تصرف و مصادره زمین به این کشور می آمدند ولی اخیرا بیشتر مردم در جستجوی کار و زندگی بهتر و پیدا کردن امنیت به این کشور مهاجرت می کنند .

بریتانیا به سنت دیرینه، فراهم آوردن یک پناهگاه امن برای مردمی که در اثر ظلم و جور و همچنین عدم توافق فکری با دیگران فرار کرده اند افتخار می کند . در قرن شانزدهم و هفدهم، پروتستان های فرانسوی که از آزار و اذیت مذهبی فرار می کردند از فرانسه به بریتانیا آمدند. همچنین قحطی و خشکسالی وحشتناک ایرلند، در اواسط دهه ۱۸۴۰ منتهی به یک موج عظیمی از مهاجرت به سرزمین های اصلی بریتانیا شد، جایی که کارگران ایرلندی نیروی کار جهت ساختمان سازی ، ساخت کانال ها و راه آهن را تامین می کردند .

مابین سالهای ۱۹۱۰-۱۸۸۰، شمار زیادی از یهودیانی که در خانه و ماوای خود با خشونت و ظلم روبرو بودند، از مناطقی که امروزه لهستان ، اوکراین و بیلوروس نامیده می شود به بریتانیا آمدند . متأسفانه در دهه ۱۹۳۰ تعداد کمی از یهودی ها توانستند، به موقع از آلمان و اروپای مرکزی، که در دست نازی ها بود و از برنامه هولوکاست نازی ها (برنامه کشتار یهودیان توسط آلمانی ها در جنگ جهانی دوم) فرار کنند ، در هولوکاست ۶ میلیون یهودی توسط نازی ها کشته شدند.

مهاجرت از سال ۱۹۴۵

Migration since 1945

پس از جنگ جهانی دوم، زمان بازسازی بریتانیا پس از ۶ سال جنگ بود. شمار مردمی که برای کار بازسازی در بریتانیا بودند کافی نبود، و دولت بریتانیا کارگران دیگر قسمت های اروپا را تشویق به آمدن به بریتانیا، برای کمک به بازسازی آن کرد. در ۱۹۴۸ دعوت به کار به مردم ایرلند و هند غربی گسترش پیدا کرد.

کمبود کارگر در بریتانیا تا دهه ۱۹۵۰ ادامه داشت، و برخی از کارخانجات و صنایع، در یوکی UK دست به کار یک سلسله فعالیت های سازمان یافته، به منظور جذب کارگر از خارج زدند. مراکزی در هند غربی جهت استخدام خدمه اتوبوس، کارگران صنعت نساجی و شرکت های مهندسی ایجاد شد، و مناطق شمالی و مرکزی انگلستان نیز نمایندگانی را برای پیدا کردن کارگر به هند و پاکستان فرستادند.

برای ۲۵ سال مردم از هند غربی، هندوستان، پاکستان و بعدها بنگلادش برای کار و سکونت به بریتانیا کوچ کردند.

پس از تصویب قانون جدید مهاجرت، در دهه ۱۹۷۰ مهاجرت از این مناطق به بریتانیا کاهش یافت. به هر حال، در طی این دوره بریتانیا ۲۸۰۰۰ نفر با اصالت هندی را که مجبور به ترک اوگاندا شده بودند، و همچنین ۲۲۰۰۰ نفر پناهنده از جنوب شرقی آسیا را پذیرفت. در دهه ۱۹۸۰ بزرگترین گروه مهاجرین به بریتانیا را ایالات متحده، استرالیا، آفریقای جنوبی، نیوزیلند، هنگ کنگ، سنگاپور و مالزی تشکیل میدادند.

بعد از نابودی دیوار آهین، و فروپاشی شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ گروه های دیگری در جستجوی یک راه جدید و امن برای زندگی شروع به آمدن به بریتانیا کردند. از سال ۱۹۹۴ شمار افرادی که از اروپا، خاورمیانه، آسیا، آفریقا و شبه قاره هند به بریتانیا کوچ میکردند افزایش یافت. بیشتر آنان در جستجوی پناهندگی سیاسی بودند.

به هر حال مهاجرین به بریتانیا با کنترل‌های شدید تری، بیش از پیش، مواجه هستند. دولت تلاش می‌کند که از مهاجرت غیر قانونی جلوگیری کند و به صورت خیلی دقیق تقاضاهای پناهندگی را بررسی می‌کند.

تغییر در قانون زنان

THE CHANGING ROLE OF WOMEN

در بریتانیای قرن نوزدهم، خانواده‌ها معمولاً بزرگتر بودند. در بیشتر خانوارها مرد، زن و بچه‌ها همه با هم در بدست آوردن درآمد خانواده سهیم بودند.

اگر چه زنان از لحاظ اقتصادی بسیار مهم بودند، ولی آنها در بریتانیا حق کمتری نسبت به مردان داشتند. تا سال ۱۸۵۷ یک زن متاهل هیچ حقی برای جدایی از شوهرش نداشت و تا سال ۱۸۸۲، در آ مداهای یک زن از ملک یا پول، بعد از ازدواج به طور اتوماتیک وار متعلق به شوهرش میشد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شمار زیادی از زنان برای حقوق بیشتر به خصوص حق رای به تظاهرات و مبارزه پرداختند.

معهدا، این اعتراضات و تظاهرات در طول جنگ جهانی اول متوقف شد، زیرا زنان به کارهای مربوط به جنگ پیوستند و در مشاغل مختلفی بسیار بزرگتر از آن چه قبلاً انجام میدادند، به خدمت گرفته شدند. زنان (بالای ۳۰ سال)، نهایتاً موفق به گرفتن حق رای شدند و برای انتخابات مجلس بعد از جنگ که در سال ۱۹۱۸ پایان یافته بود، تلاش کردند. در سال ۱۹۲۸، زنان در بریتانیا توانستند به حق رای در سنی برابر مردان دست پیدا کنند.

علیرغم بهبود وضعیت، زنان در محل کار خود با تبعیض روبرو بودند. زمانی که یک زن ازدواج می‌کرد، این کاملاً برای او عادی بود، که کار فرمایش از او درخواست کند تا کار خود را ترک کند.

بسیاری از مشاغل بر روی زنان بسته بود و زنان به سختی می‌توانستند به دانشگاه راه پیدا کنند. دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، شاهد فشار زیادی از سوی زنان جهت برابری حقوقشان با مردان دیده می‌شد.

در طی این دوره زمانی، قانونی تصویب شد که طی آن به زنان حقوقی مساوی مردان پرداخت شود، و از تبعیض بر علیه زنان در کارها بدلیل جنسیت آنان توسط کارفرما ممانعت میشد.

زنان در بریتانیای امروز

Women in Britain today

زنان در بریتانیا ۵۱ درصد جمعیت و ۴۵ درصد نیروی کار را تشکیل می دهند . دختران به طور کل تحصیلات خود را با مدرک و درجه بهتری از پسران به پایان می برند، و هم اکنون تعداد زنان در دانشگاه از مردان بیشتر است . امروزه شانس شغلی برای زنان بسیار بیشتر از قبل است . هرچند زنان به کار در مشاغل عمدتاً زنانه همانند خدمات درمانی ، آموزشی ، امور دفتری، و بخش فروش ادامه میدهند .

نشانه ها و مدارک قوی وجود دارد که نشانگر تغییر طرز برخورد با زنان است و اینکه محدوده مشاغلی که زنان امروزه دارا هستند بسیار وسیعتر از قبل است .

تحقیقات نشان میدهد، که امروزه تعداد کمی از مردم هنوز بر این باورند که زنان در بریتانیا باید در خانه بمانند و برای کار از خانه خارج نشوند. امروزه تقریباً سه چهارم از زنان با داشتن بچه هایی در سن مدرسه برسر کار میروند .

در بسیاری از خانوارها زنان هنوز بخش عمده ای از مسئولیت بچه داری و خانه داری را دارا هستند اما همچنین نشانه هایی از افزایش نقش پدر در پرورش خانواده و انجام کارهای روزمره خانه وجود دارد که نشاندهنده بزرگتری از برابری است.

علیرغم این پیشرفت ، بحث های زیادی مبنی بر نیاز به دست یافتن برابری بیشتری بین مرد و زن بخصوص در محیط کاری وجود دارد.

زنان در بریتانیا همانند مردان به مشاغل با درآمد بهتر و پیشرفت دسترسی ندارند و میانگین نرخ پرداخت به طور ساعتی برای زنان ۲۰ درصد کمتر از مردان است .

کودکان، خانواده و جوانان

CHILDREN, FAMILY AND YOUNG PEOPLE

در بریتانیا حدوداً ۱۵ میلیون کودک و جوان زیر ۱۹ سال وجود دارد که به معنای یک چهارم جمعیت کل یوکی UK است.

جوانان در یک گروه با هویت ، علائق و مد خودشان که موجب تفاوت آنها با بزرگسالان می شود مورد توجه قرار می گیرند. به طور عموم ، زمانی که آنها به بزرگسالی میرسند ، فرزندان گرایش پیدا میکنند که از خانه خانوادگی خود دور شوند، این تغییرات از یک خانواده و یک اجتماع به خانواده و اجتماع دیگری است . بیشتر کودکان در بریتانیا پول تو جیبی هفتگی از والدینشان دریافت می کنند و بسیاری از آنها برای انجام کارهای مربوط به خانه بیشتر می گیرند .

کودکان امروزه در یوکی UK مانند گذشته خارج از خانه به بازی نمی پردازند . به نظر میرسد تفریحات خانگی همانند تلویزیون ، ویدئو و کامپیوتر قسمتی از دلیل این کار باشد اما اینها همچنین دلیل افزایش نگرانی در مورد ایمنی و سلامت کودکان نیز هست . حوادث تجاوز جنسی کودکان بوسیله غریبه ها اغلب با جزئیات کامل گزارش شده است اما هیچ مدرکی وجود ندارد که این گونه خطرات در حال افزایش باشد .

در نتیجه ، تغییر گرایشها به سوی طلاق و متارکه و جدایی ، الگوی خانواده را به طور قابل ملاحظه ای در بیست سال گذشته تغییر داده است . امروزه درحالی که ۶۵ درصد کودکان با والدین اصلی خود زندگی می کنند ، تقریباً ۲۵ درصد فقط با یکی از والدین خود و ۱۰ درصد در خانواده ای غیر از خانواده اصلی خود زندگی می کنند.

آموزش

Education

دولت اهمیت زیادی را در خصوص ارزیابی نیازهای دانش آموزان به منظور دستیابی به آنچه آنها را موفق میکند، داده است. اجباراً ارزیابی دانش آموزان در سن هفت سالگی، یازده سالگی و چهارده سالگی در انگلند و اسکاتلند (در ولز متدهای غیررسمی بیشتری از ارزیابی مورد توجه قرار میگیرد) انجام میگیرد.

این ارزیابی ها کمک میکند تا نشانه های خوبی از پیشرفت کودکان به والدینشان داده شود و کودکان خواهند دانست که کدام مبحث درسی را به خوبی انجام داده اند و کدام یک احتیاج به توجه بیشتری دارد.

GCSE بیشتر افراد جوان امتحان مدرک عمومی آموزش دبیرستان معروف به
GCSE = (General Certificate of Secondary Education)

A/S , A levels را در سن ۱۶ سالگی میدهند. و بسیاری مدرک فنی سطوح پیشرفته را در سن هفده و هیجده سالگی میگیرند (advanced Levels)

امروزه یک نفر از سه نفر افراد جوان بعد از دبیرستان وارد تحصیلات عالی میشوند. هدف دولت رساندن این حد به یک نفر به دو نفر است. برخی از آنهایی که میخواهند وارد دانشگاه شوند یک سال ورودشان را به تاخیر میاندازند. در این دوره یک ساله آنها به کارهای داوطلبانه خیریه یا مسافرت به خارج از کشور، کسب درآمد برای پرداخت شهریه دانشگاه و مخارج زندگی در دانشگاه میپردازند.

اشتغال

Work

امروزه داشتن یک کار نیمه وقت برای افراد جوانی که هنوز به مدرسه میروند امری عادی شده است. ارزیابی های اخیر حاکی از وجود دو میلیون کودک در سر کار در زمانهای متفاوت میباشد. کارهای متداول شامل ، پخش روزنامه ، کار در سوپر مارکت و روزنامه فروشی ها است. بسیاری از والدین عقیده دارند که کار نیمه وقت از این نوع همان گونه که به بچه ها کمک میکند تا استقلال بیشتری پیدا کنند ، آنها را (و بعضی وقت ها خانواده آنها را) با درآمد اضافه تامین میکند .

قابل توجه است که به هر حال به کارگیری کودکان اکیدا توسط قانون کنترل شده است. نگرانی هایی در مورد امنیت و ایمنی کودکانی که به طور غیر قانونی کار می کنند و تحت مراقبت کامل نیستند وجود دارد .

مخاطرات سلامتی

Health Hazards

بسیاری از والدین در بریتانیا از سوء استفاده فرزندان شان از مواد اعتیاد آور و دارو ها نگرانند. مصرف سیگار در بریتانیا به طور چشمگیری کاهش یافته است و امروزه فقط اقلیت کوچکی از جمعیت آن سیگار می کشند. منع استعمال دخانیات در مکان های عمومی طرح ریزی شده است. استعمال دخانیات در میان جوانان به خوبی بزرگسالان کاهش یافته است ، اگر چه آمار نشاندهنده آن است که مصرف سیگار در بین دختران بیشتر از پسران است. فروش تنباکو و دخانیات به افراد زیر ۱۶ سال طبق قانون ممنوع میباشد.

سوءاستفاده از الکل مشکل دیگری است. اگرچه طبق قانون جوانان زیر ۱۸ سال مجاز به خرید الکل نیستند، با این وجود نگرانی هایی در بریتانیا در مورد سن افراد جوانی که شروع به نوشیدن می کنند و مقدار الکی که در یک دفعه مصرف می کنند، و زیاده روی در نوشیدن وجود دارد. افزایش جریمه شامل، جریمه نقدی سبب کمک به افزایش کنترل آن شده است.

مواد مخدر داروهای غیر قانونی هستند.

حمل، تولید و تهیه مواد مخدر مانند هروئین، کوکائین، آمفتامین، اکستازی و کانابیز (حشیش) در بریتانیا جرم است.

آمار کنونی حاکی از آن است که نیمی از جوانان و حدود یک سوم کل جمعیت یکبار یا بیشتر و یا حتی بعضی اوقات فقط به عنوان یک تجربه از داروهای مخدر استفاده کرده اند.

ارتباط مستقیمی بین استفاده از داروهای مخدر قوی (کراک کوکائین و هروئین) و تبه کاری وجود دارد، و کاملاً قابل قبول است که سوءاستفاده از مواد مخدر یک هزینه مالی هنگفتی را بر دوش اجتماع و کشور میگذارد.

بیشتر جرایم همانند دزدی منزل یا دزدی در خیابان بوسیله تهدید یا خشونت نامیده میشود. (Mugging)

با احتیاج به پول برای تهیه مواد مخدر در ارتباط است.

وظیفه مهم پیدا کردن یک راه حل موثر و نتیجه بخش در باره طرز برخورد با این مسئله یکی از موضوعات مهمی است که جامعه بریتانیا با آن روبروست.

فعالیت ها و گرایشات جوانان

Young people's attitudes and action

جوانان در بریتانیا از سن ۱۸ سالگی قادر به دادن رای در انتخابات هستند. هرچند در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۱ فقط یک پنجم از نیروی بالقوه کسانی که میتوانند برای اولین بار رای بدهند عملاً در رای گیری شرکت کردند. مباحثات زیادی بر روی دلایل این موضوع انجام شد. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایل این موضوع عدم اعتماد جوانان به فرایند سیاسی و سیاستمداران است.

اگر چه جوانان زیادی علاقه کمی به احزاب سیاسی نشان میدهند ، نشانه های قوی وجود دارد که آنها به بعضی موضوعات خاص و ویژه سیاسی علاقه مند هستند . آنها کسانی هستند که معمولاً میگویند که ابداً به سیاست علاقه مند نیستند ولی اغلب بیان میکنند که در مورد موضوعات محیط زیست و بد رفتاری با حیوانات نگرانی های عمده ای دارند .

مطالعات انجام شده بر روی نگرش جوانان در انگلند و ولز، در سال ۲۰۰۳ آشکار ساخت که جرم ، مواد مخدر ، جنگ و تروریسم ، نژاد پرستی و سلامتی ، پنج موضوع مهمی است که آنها احساس میکنند بریتانیا با آن روبروست .

در تحقیق مشابهی، از جوانان در مورد مشارکت آنها در رویدادهای اجتماعی و سیاسی سوال شد . در گزارشها چنین آمده که، ۸۶ درصد از جوانان در طی یک سال گذشته در بعضی انواع از فعالیتهای اجتماعی شرکت کرده بودند، و ۵۰ درصد جوانان در جمع آوری اعانه یا جمع کردن پول جهت امور خیریه مشارکت داشته اند.

بریتانیای امروز: یک پروفایل

Britain today: a profile

جمعیت

Population

در سال ۲۰۰۱ جمعیت انگلستان کمی کمتر از ۵۹ میلیون نفر ثبت شد.

جمعیت در سال ۲۰۰۱

۸۳٪ جمعیت	=	۴۹/۱ میلیون نفر	: انگلند
۹٪ جمعیت	=	۵/۱ میلیون نفر	: اسکاتلند
۵٪ جمعیت	=	۲/۹ میلیون نفر	: ولز
۳٪ جمعیت	=	۱/۷ میلیون نفر	: ایرلند شمالی

۵۸/۵ میلیون نفر = جمع کل جمعیت

شما میتوانید اطلاعات بیشتری در مورد آمار سال ۲۰۰۱ را از وب سایت سر شماری دولتی در آدرس زیر پیدا کنید.

www.statistics.gov.uk

از سال ۱۹۵۱ رشد جمعیت ۱۷٪ بوده است. این مقدار کمتر از میانگین رشد جمعیت در کشورهای اتحادیه اروپا (۲۳٪) و خیلی کمتر از بعضی کشورهای دیگر نظیر ایالات متحده آمریکا (۸۰٪) و استرالیا (۱۳۳٪) بوده است.

نرخ زاد و ولد در تمام سال ۲۰۰۲ پائین بوده است هرچند در سال ۲۰۰۳ مقدار اندکی افزایش پیدا کرد. بریتانیا اکنون دارای یک جمعیت پیر است و برای اولین بار افراد ۶۰ سال به بالای جمعیت، بیشتر از جمعیت افراد زیر ۱۶ سال آن است و همچنین یک رقم بی سابقه از افراد ۸۵ سال به بالا دیده شده است.

اگرچه در ۲۰ سال گذشته، جمعیت UK به طور عمومی افزایش یافته است اما این رشد یکسان نبوده و در بعضی مناطق مانند شمال شرقی و شمال غربی انگلند تجربه یک کاهش را داشته اند.

سر شماری

The Census

در بریتانیا سر شماری جمعیت هر ده سال یکبار از سال ۱۸۰۱ انجام میشود (به استثناء سال ۱۹۴۱ که بریتانیا درگیر جنگ بود). سر شماری بعدی در بریتانیا در سال ۲۰۱۱ انجام خواهد شد.

در زمان انجام سر شماری فرم های سر شماری در بین خانوارها در کشور توزیع میشود که طبق قانون باید پر شود. این فرم ها خواستار اطلاعات زیادی هستند تا اطمینان حاصل کنند که آمار رسمی در مورد جمعیت دقیق و بی خطا هستند البته اطلاعات مربوط به هر شخصی سری و بی نام و نشان است. فقط بعد از ۱۰۰ سال به آزادی ثبت و مورد مراجعه و کنکاش میتواند قرار بگیرد.

گوناگونی اقوام

Ethnic diversity

بزرگترین اقلیت قومی در بریتانیا مردم هندی تبار هستند بدنبال آن تبار پاکستانی، تبار مختلط نژادی، نژاد سیاه کارائیبی، نژاد سیاه آفریقایی و نژاد بنگلادشی. این گروه ها با همدیگر ۷/۹ درصد جمعیت UK را تشکیل میدهند. امروزه حدود نیمی از اعضاء جامعه آفریقایی کارائیبی، پاکستانی، هندی و بنگلادشی مقیم، در بریتانیا دنیا آمده اند. شمار قابل توجهی از چینی ها، ایتالیایی ها، یونانی ها و ترک های قبرس، لهستانی ها، استرالیایی ها، کانادایی ها نیوزیلندی ها و آمریکایی ها همچنین در UK مقیم هستند.

جمعیت UK در ۲۰۰۱

سفید	۵۴/۲ میلیون نفر	۹۲٪ جمعیت
مختلط	۰/۷ میلیون نفر	۱/۲٪ جمعیت
آسیایی یا آسیایی بریتانیایی		
هندی	۱/۱ میلیون نفر	۱/۸٪ جمعیت
پاکستانی	۰/۷ میلیون نفر	۱/۳٪ جمعیت
بنگلادشی	۰/۳ میلیون نفر	۰/۵٪ جمعیت
آسیایی های دیگر	۰/۲ میلیون نفر	۰/۴٪ جمعیت
سیاه یا بریتانیایی سیاه		
سیاه کارائیبی	۰/۶ میلیون نفر	۱٪ جمعیت
سیاه آفریقایی	۰/۵ میلیون نفر	۰/۸٪ جمعیت
سیاه دیگر	۰/۱ میلیون نفر	۰/۲٪ جمعیت
چینی ها	۰/۲ میلیون نفر	۰/۴٪ جمعیت
دیگران	۰/۲ میلیون نفر	۰/۴٪ جمعیت
		ماخذ: آمار ملی از سرشماری سال ۲۰۰۱

مردم در کجا زندگی میکنند؟

بیشتر اعضاء اقلیت های قومی در انگلند زندگی میکنند و ۹ درصد جمعیت کل آن را تشکیل میدهند .
و همین طور ۲ درصد جمعیت ولز و ۲ درصد جمعیت اسکاتلند و کمتر از یک درصد جمعیت ایرلند
شمالی را اقلیت های قومی تشکیل میدهند .

۴۵ درصد از جمعیت اقلیت های قومی در منطقه لندن زندگی میکنند و ۲۹ درصد از کل افراد مقیم را
تشکیل میدهند . بیشتر اعضاء دیگر اقلیت های قومی در بریتانیا در چهار منطقه دیگر زندگی
میکنند: در غرب سرزمینهای میانی ، در جنوب شرقی ، در شمال غربی و در یورکشایر و
همبرساید.

دین و مدارا

RELIGION AND TOLERANCE

هر شخصی در بریتانیا حق آزادی دین دارد . با وجود اینکه بریتانیا به طور تاریخی یک جامعه
مسیحی است مردم نسبت به اعتقادات و مذاهب دیگر و آنهایی که اعتقاد و باور مذهبی ندارند ،
بردبار و سازگار هستند .

در سرشماری سال ۲۰۰۱ - فقط ۷۵ درصد از جمعیت UK دارای مذهب گزارش شده است . از هر
ده نفر بیشتر از هفت نفر اعلام کرده اند که مسیحی هستند . نزدیک به ۳ درصد از جمعیت دین خود
را اسلام و یک درصد دین خود را هندو شرح داده اند . بعد از آنها بزرگترین گروه های مذهبی سیک
ها ، یهودی ها و بودایی ها هستند .

با وجود اینکه، بسیاری از مردم در بریتانیا دارای اعتقادات و باورهای مذهبی هستند، اما این
موضوع با نفراتی که به طور معمول همیشه در مراسم مذهبی شرکت میکنند همخوانی ندارد .

تخمین زده میشود که شرکت کنندگان در مراسم کلیسا معمولاً در انگلند بین ۸ تا ۱۱ درصد جمعیت را تشکیل میدهند .

هرچند تعداد شرکت کنندگان در مراسم کلیسا در اسکاتلند رو به کاهش است با این وجود میزان آن دو برابر ولز و انگلند میباشد .

کلیسای رسمی

The established church

کلیسای انگلند معروف به کلیسای انگلیکان در سال ۱۵۳۴ به وجود آمد . پادشاه خود را رئیس کلیسا منصوب کرد و از آن زمان لقب Supreme Governor به پادشاه و ملکه داده شد .

پادشاه در مراسم تاجگذاری ضروری است که سوگند یاد کند که پیرو دین پروتستان در UK است و وارثین سلطنت اجازه ازدواج با افراد غیر پروتستان را ندارند. پادشاه و ملکه حق انتصاب ماموران ارشد کلیسا را همچون اسقف اعظم کانتربوری که رئیس ارشد کلیسا محسوب میشود را دارند. هرچند عملاً نخست وزیر از روی توصیه نامه ای که کمیته مخصوص انتصابی از طرف کلیسا داده ، اسقف اعظم کانتربوری را انتخاب میکند .

گروه های دیگر مسیحی

Other Christian groups

بعد از جنبش پروتستان ها انشعابات بیشتری در کلیسا انجام گرفت و شمار فرقه های پروتستان افزایش یافت این فرقه ها شامل بپتیست ها Baptists ، پرزبیتاریان ها Presbyterians ، و جامعه دوستان معروف به کواکر (Quakers) the Society of Friends بودند که هنوز هم همگی وجود دارند .

در قرن هیجدهم نهضت متدیست ها Methodist که بیشتر در بین افراد فقیر کار میکردند رشد و توسعه پیدا کرد .

امروزه در ولز باپتیست ها و متدیست ها رایجترین فرقه ها هستند. در اسکاتلند بیشتر از یک میلیون نفر عضو کلیسای پرزبیتاریان هستند که به نام کلیسای رسمی اسکاتلند و مشهور به کرک Kirk است، میباشد. در حدود ۱۰ درصد مردم بریتانیا کاتولیک میباشند.

مناطق بریتانیا

THE REGIONS BRITAIN

بریتانیا کشور نسبتاً کوچکی است. مسافت بین کناره شمالی اسکاتلند تا کناره مرز جنوبی انگلند تقریباً ۶۰۰ مایل (حدود ۱۰۰۰ کیلومتر) است و عرض آن در عریضترین قسمت کشور در انگلند و ولز ۳۲۰ مایل (کمی بیشتر از ۵۰۰ کیلومتر) می باشد. به هر حال هیچ کجای بریتانیا بیشتر از ۷۵ مایل (۱۲۵ کیلومتر) از ساحل و مرز آن دورتر نیست.

بسیاری از مردم تنوع عظیمی را در مناظر طبیعی بریتانیا مشاهده می کنند. شما این امکان را دارید که در مدت چند ساعت از یک شهر با چندین ملیت به اماکن تاریخی، کلیساهای جامع قدیمی، دهکده ها، دشتهای و کوهستانها بروید.

تفاوت های منطقه ای

Regional differences

از جهتی قسمت های مختلف بریتانیا مانند هم هستند. یک زبان مشترک، روزنامه های ملی، رادیو، تلویزیون و فروشگاه هایی که شعباتی در سرتاسر UK بدین معناست که هر شخصی تا حدی در این بخش از فرهنگ همسان، سهیم میباشد. در زیر ظاهر استاندارد شده مراکز شهری و حومه ما گوناگونی های واقعی و تنوع فرهنگی بین قسمتهای مختلف UK وجود دارد.

احتمالا دو منطقه مشخص در بریتانیا، ولز و اسکاتلند هستند. هر دو این مناطق دارای زبان بخصوص خود میباشند.

زبان ولزی در مدارس ولز آموزش داده میشود و به طور گسترده ای در شمال و غرب ولز به این زبان تکلم میشود. زبان گالیک (زبان اسکاتلندی) هنوز در نیمه های شمالی اسکاتلند که کوهستانی است و در جزایر اسکاتلند صحبت میشود. اکثر مردم باور دارند که ولزی ها و اسکاتلندی ها حس قوی تری از هویت و فرهنگ نسبت به انگلیسی ها دارند. شاید این به دلیل تلاش زیاد آنها برای عدم وابستگی بوده است.

ایجاد مجمع برای ولز و پارلمان برای اسکاتلند در سال ۱۹۹۹ منجر شد که بعضی مردم اظهار کنند که انگلند به مجلسی (پارلمانی) مخصوص به خود نیاز دارد و اکنون بحث های زیادی در مورد اینکه واقعا هویت انگلیسی چه باید باشد وجود دارد؟

لهجه ها نشانه واضحی از مناطق متفاوت در بریتانیا است. جوردی - اسکاس و کاکنی لهجه های مشهور به ترتیب مناطق تاینساید، لیورپول و لندن است البته لهجه های متفاوت دیگری در همه قسمت های کشور وجود دارد. لهجه ولزی و اسکاتلندی دو لهجه بسیار مشخص و متفاوت در این دو منطقه است. در بعضی مناطق لهجه یک شخص مشخص کننده این است که او اهل کدام منطقه در فاصله ۲۰ مایلی او میباشد.

تفاوت های منطقه ای در سبک و مدل ساختمان ها و همین طور موادی که در ساخت آنها به کار میرود وجود دارد. کلبه هایی با بام گالی پوش که اکنون ساخت آنها بسیار کمتر رواج دارد عمدتا در جنوب و جنوب غربی و جنوب شرقی ساخته میشوند.

ساختمان های قدیمی تر ساخته شده از نوعی سنگ محلی در یورکشایر شمالی - دربی شایر و خیلی جاهای دیگر یک نمای منحصر بفرد دارد.

میراث صنعتی مناطق موجب سبک های مشخص معماری میشود که میل تاون در انگلند شمالی مثال خوبی برای این موضوع است.

جزیره ای بودن بعضی مناطق بخصوص در ساحل و گوشه های دور بریتانیا موجب شده که ظاهر ساختمان ها خیلی کم در ۵۰ سال گذشته تغییر کنند. در مقایسه با مناطق دیگر که صنایع محلی توسط دیگر صنایع جایگزین شدند تقریبا در بریتانیا غیر قابل تشخیص است که در اصل از قبل چه بوده اند.

آداب و سنن

CUSTOMS AND TRADITION

راهنمای توریست ها معمولاً یک منظره ای از روستاهای بریتانیا را مجسم می کند که همیشه توسط کسانی که اینجا زندگی می کنند قابل تشخیص نیست. خارج شهر مورد توجه خیلی از انگلندی های اصیل بوده است، اما در واقع اکثریت بزرگی از مردم در شهرها و حومه آن زندگی می کنند. مردمی که در UK زندگی می کنند مانند بسیاری از مردم دیگر جهان مخلوطی از قدیمی ها و تازه ها هستند. ساکنین شهرها عاشق دیدار از خارج شهر هستند.

اما فسخ شکار روباه که با تاخیر از سوی ساکنین شهرها مورد توجه قرار گرفت به تندی توسط بیشتر ساکنین روستاها مورد اعتراض واقع شد چرا که میدیدند ارزش ها و سنن آنها مورد عدم پذیرش واقع شده است .

فستیوال ها و دیگر مراسم سنتی هنوز در همه قسمت های کشور وجود دارد البته وجود این فستیوال ها تقریباً وابسته به حمایت ساکنین محلی است .

ورزش

Sport

ورزش از هر نوعی یک قسمت عظیمی از زندگی مردم را تشکیل میدهد. فوتبال، رگبی، کریکت هواداران بسیاری دارد و موفقیت های ورزشی در زمین ورزش باعث افتخار ملی و محلی میشود .

رخدادهای بزرگ ورزشی همانند مسابقه بزرگ اسب دوانی گراند نشنال ، فوتبال جام اتحادیه انگلستان (جام حذفی انگلستان) مسابقات قهرمانی تنیس ویمبلدون ، توجه بسیاری از مردم بریتانیا را به خود جلب میکند حتی توجه کسانی را که به طور معمولی هوادار این ورزش ها نیستند.

روزهای ملی

National days

روزهای ملی در بریتانیا به مانند کشورهای دیگر مشهور و جشن گرفته نمیشود. فقط در ایرلند شمالی (و همین طور جمهوری ایرلند) روز سنت پاتریک یک روز تعطیل رسمی میباشد. بزرگترین جشن ها معمولا اختصاص به سال نو و کریسمس و عید پاک دارد .

روزهای ملی

اول مارچ = روز سنت دیوید - روز ملی ولز

۱۷ مارچ = روز سنت پاتریک - روز ملی در هر دو ایرلند شمالی و جمهوری ایرلند

۲۳ آوریل = روز سنت جورج - روز ملی انگلند

۳۰ نوامبر = روز سنت اندرو - روز ملی اسکاتلند

همچنین چهار روز تعطیل عمومی در سال وجود دارد که به تعطیلات بانک (بانک هالییدی) معروف هستند. این روزها هیچ دلیل مذهبی یا ملی ندارند و بنا به قانون، بانک ها و سایر حرفه ها در این روزها تعطیل میشوند.

اعیاد سنتی و مذهبی

Religious and traditional festivals

بیشتر اعیاد مذهبی در بریتانیا بر اساس سنن مسیحی هستند اما به طور گسترده اعیادی همچون عید فطر ، دیوالی ، و یوم کیپیر که متعلق به سایر ادیان میباشند نیز به رسمیت شناخته شده است. بسیاری از این اعیاد در همه مدارس به عنوان بخشی از آموزش دینی برای دانش آموزان شرح داده میشود و پیروین هر دینی اعیاد خود را در اجتماع خودشان جشن میگیرند.

اعیاد عمده مسیحی و سنتی

The main Christian and traditional festivals

روز کریسمس = ۲۵ دسامبر

Christmas Day

در این روز میلاد حضرت عیسی مسیح جشن گرفته میشود. این روزی است که به طور معمول فرد روز را با خانواده اش میگذرانند معمولاً تدارک این روز از ۳ یا ۴ هفته قبل انجام میشود و مردم تصمیم میگیرند که چه چیزهایی را به عنوان هدیه برای فامیل و دوستان نزدیکشان تهیه کنند .

معمولاً یک درخت کریسمس تزئین شده در حال ورودی یا اتاق نشیمن نصب میشود و اطراف آن را کادوهایی که قرار است در روز کریسمس باز شوند میگذارند .

کارت های تبریک کریسمس معمولاً از همان اوایل دسامبر برای فامیل و دوستان فرستاده میشود غیر مسیحیان نیز معمولاً کارت میفرستند که به طور معمول به عنوان تبریکات فصول گفته میشود.

خانه ها با تاج گل‌های مخصوص کریسمس و گاهی اوقات با تاج گلی از درخت راج در روی در ورودی تزئین میشود .

داروایش گیاهی است که در سرسرا یا درگاه آویزان می کنند و رسم بر این است که در زیر آن زوجها همدیگر را میبوسند. کریسمس یک تعطیلی مذهبی و غیر مذهبی است و هم بوسیله معتقدین و هم غیر معتقدین جشن گرفته میشود بسیاری از خانواده ها هم در نیمه شب عصر کریسمس و هم در صبح روز کریسمس در مراسم کلیسا شرکت می کنند .

بچه ها یک جوراب بلند یا جوراب ساق بلند یا روبالشی را در پائین تختشان یا اطراف بخاری دیواری (شومینه) آویزان می کنند تا بابا نوئل آن را با هدایا پر کند . در روز کریسمس رسم است که تمام خانواده جمع میشوند و دور میز شام می نشینند و برای شام بوقلمون سرخ شده و به دنبال شام پودینگ کریسمس که شامل چربی - میوه های خشک شده و ادویه میباشد و بوسیله بخار پخته میشود، را میخورند .

بابا نوئل بریتانیا یک پیر مرد شاد و سرزنده با یک ریش و یک دست لباس قرمز تزئین داده شده با خز میباشد. او از منطقه ای نزدیک به قطب شمال با سورتمه ای که توسط گوزن های شمالی کشیده میشوند مسافرت میکند و هدایای بچه ها را حمل مینماید .

طبق بعضی گفته ها بابا نوئل امروزی بر اساس فولکلور (فرهنگ عامه مردمی) هلند - آلمان - سوئد به آمریکا آورده شد هرچند شمار زیادی تئوری های دیگر وجود دارد که در مورد اصل ساخته شدن بابانوئل توضیحاتی را داده اند.

باکسینگ دی = ۲۶ دسامبر

Boxing Day

مبدأ این روز به زمانی برمیگردد که مستخدمین ، باغبان ها ، و دیگر شاغلین و کاسب ها پولی (یک جعبه کریسمس) به عنوان قدردانی از خدماتی که در طول سال انجام داده اند دریافت میداشتند. بسیاری از مردم هنوز چنین پولی را به پستی ها میدهند.

بوکسینگ دی روز تعطیل در بریتانیا است و بسیاری از مردم به دیدار دوستان و خویشاوندان خود میروند و به جشن و سرور کریسمس ادامه میدهند. این روز همچنین روز بسیار محبوبی برای فعالیتهای ورزشی است البته در صورتی که وضعیت آب و هوایی اجازه بدهد.

سال نو = اول ژانویه

New Year

سال نو در بریتانیا همانند بسیاری کشورهای دیگر دنیا جشن گرفته میشود. میهمانی ها و جشن ها از عصر سال نو شروع میشود و زمانی که نیمه شب فرا میرسد هر کسی شاد شده و برای موفقیت در سال آینده می نوشد.

در اسکاتلند جشن سال نو میتواند از جشن کریسمس بزرگتر باشد. در بسیاری از خانه های اسکاتلند رسم بر این است که اولین کسی که برای دیدار سال نو به خانه ای میرود با خود اجناسی مانند ذغال، ویسکی یا نان را به قصد اطمینان از رونق و بهروزی برای سالی که در حال آمدن است، با خود ببرد.

در ولز وقتی که ساعت شروع به اعلام نیمه شب میکند در پشتی را باز میکنند تا سال کهنه بیرون برود و رها شود و سپس در را قفل میکنند و بسته نگه میدارند و زمانی که آخرین ضربه ساعت زده میشود در جلویی خانه را باز میکنند و اجازه میدهند تا سال جدید وارد شود.

عید پاک

Easter

عیدی است که در مارچ یا آوریل انجام میشود. این عید یادبودی از مصلوب شدن و دوباره زنده شدن عیسی مسیح است. اگرچه نام الهه بهار ساکسونها ایستری نام داشت که جشن آن در بهار برابر با هم انجام میشود. عید پاک مانند کریسمس بیش از پیش غیر دینی میشود و اغلب مانند یک فرصتی برای تعطیلی محسوب میشود.

تخم مرغ های عید پاک ساخته شده از شکلات (رسم بر این است که تخم مرغ ها را تزئین می کنند) به عنوان هدیه به دیگران بخصوص بچه ها داده میشود. این تخم مرغها سمبلی از یک زندگی جدید و آمدن بهار میباشد. بعضی اماکن جهت جشن و بازارهای مکاره در روز دوشنبه عید پاک اختصاص میابند.

دیگر سنت ها

Other traditions

روز سنت والنتاین = ۱۴ فوریه

St Valentine's Day

رسم بر این است که در این روز کسانی که دوست دختر یا دوست پسر دارند و همچنین زن و شوهرها با همدیگر کادو و کارت رد و بدل میکنند. کارت های امضا نشده نیز به وسیله دوستداری مخفی ممکن است فرستاده شود

یکشنبه مادری

Mothering Sunday

۳ هفته قبل از عید پاک روزی است که بچه ها، جوانان، و پیران، از وجود مادرشان بوسیله دادن گل و شکلات قدردانی میکنند و همچنین در این روز سعی میکنند تا روز آنها را تا حد امکان لذتبخش بسازند.

شوخی روز اول آوریل = اول آوریل

April Fool's Day

روزی است که مردم با همدیگر شوخی می کنند البته فقط تا ساعت ۱۲ ظهر . بعضی اوقات حتی رادیو، تلویزیون و روزنامه ها نیز سعی میکنند تا مردم را با داستان های قلابی و غیر واقعی و همین طور جوک دست بیاندازند . این رسم در فرانسه قرن شانزدهم بو جود آمده است .

شب گای فاکس = ۵ نوامبر

Guy Fawkes Night

یادبودی است از فتنه باروت در سال ۱۶۰۵ در سال ۱۶۰۵، که یک گروه کوچک کاتولیک میخواستند شاه را بوسیله انفجار باروت در ساختمان مجلس بکشند که به فتنه باروت معروف شد. در این روز سربازان فردی را به نام گایدو فاکس که مامور نگهبانی از مواد منفجره در زیر ساختمان مجلس بود را دستگیر کردند . امروزه این روز با آتش بازی و همین طور سوزاندن مجسمه گای در آتش بزرگی گرامی داشته میشود.

روز یاد بود = ۱۱ نوامبر

Remembrance Day

این روز جهت زنده نگاهداشتن یاد کسانی است که در دو جنگ جهانی و جنگهای دیگر کشته شده اند. بسیاری از مردم اکنون در ساعت ۱۱ این روز دو دقیقه به یاد کشته شدگان سکوت میکنند . ساعت ۱۱ به این جهت انتخاب شده است زیرا جنگ جهانی اول (اغلب به نام جنگ بزرگ گفته میشود) در ساعت ۱۱ از روز یازدهم در ماه یازدهم و در سال ۱۹۱۸ به پایان رسید.

مبارزه وحشتناکی در زمینهای شمال فرانسه و ناحیه فلاندر دشت و صحرا را ویران کرد و به جز چاله های به جا مانده از بمب چیز دیگری نبود گیاه خشخاش اولین گیاهی بود که در این زمین ها رشد کرد ،بنابر این گل قرمز این گیاه که به سرخی خون است سمبل کسانی شد که در جنگ جان باختند . امروزه در در زمانی قبل از ، روز یادبود گل خشخاش های مصنوعی در فروشگاه ها و خیابانها فروخته میشود و بسیاری از مردم آن را بر روی یقه یا جا دگمه ای خود به یاد از دست رفتگان جنگ میزنند.

فصل سوم

چگونه بریتانیا اداره میشود

سیستم کار و اشتغال

THE WORKING SYSTEM

دموکراسی پارلمانی

Parliamentary democracy

سیستم دولتی بریتانیا دموکراسی پارلمانی است . انتخابات عمومی حداقل هر ۵ سال یکبار انجام میشود و رای دهندگان در هر حوزه انتخاباتی نماینده مجلس خود را برای مجلس عوام انتخاب میکنند.

(MP = Member of parliament)

اغلب نمایندگان مجلس به حزبی سیاسی تعلق دارند و حزبی که بیشترین شمار از نمایندگان مجلس عوام را دارد مسئول تشکیل دولت میشود. ارشد ترین نمایندگان وزیر و مسئول وزارتخانه و یا رئیس کمیته های نمایندگان میشوند .

نخست وزیر

The Prime Minister (PM)

نخست وزیر (PM= The Prime Minister) رهبر حزبی است که در مسند قدرت است میباشد .او وزرای وزارتخانه ها را عزل و منصوب میکند او بالاترین حق انتخاب و کنترل را بر روی بسیاری از انتصابات مهم عمومی

دارد. نخست وزیر رهبری وزیران را برای تشکیل کابینه به عهده دارد. در زمانهای گذشته نخست وزیر به نام “Primus Inter Pares” خوانده میشد (به زبان لاتین قدیم) امروزه این مقام بسیار قدرتمند شده به طوری که بعضی مردم آن را با مقام ریاست جمهوری فرانسه یا آمریکا برابر میدانند. این مقام به صورت رای مستقیم مردم برای یک دوره مشخص انتخاب میشود.

به هر صورت یک نخست وزیر که در رای گیری مهمی در مجلس عوام شکست خورده یا اعتماد کابینه به وی از بین رفته باشد می تواند در هر زمانی توسط حزب خودش از کار برکنار شود. این رخداد بندرت اتفاق میفتد اما در صورتی که این اتفاق روی دهد این رویداد بسیار شگرف و اثرات آن میتواند بسیار بزرگ باشد. برای مثال وینستون چرچیل در سال ۱۹۴۰ جانشین نخست وزیر نوئل چمبرلین شد و مارگارت تاچر در سال ۱۹۹۰ زمانی که اعتماد همقطاران و همکاران خود را از دست داد مجبور به استعفا شد.

نخست وزیر جدید به طور رسمی در خانه شماره ۱۰ خیابان داوونینگ استریت اقامت میگزیند و تعداد قابل ملاحظه ای کارمند و مشاور شخصی دارد. نخست وزیر مشاورین خاصی برای مسائل عمومی و ارتباط با رسانه ها و مطبوعات و رادیو و تلویزیون دارد که در اضافه شدن به قدرت نخست وزیر در مقایسه با همکارانش کمک میکند. اعلامیه های دولت معمولاً با نام شماره ده بیرون می آید. اگر چیزی مستقیماً به نخست وزیر نسبت داده شود آن چیز اهمیت خاصی دارد.

کابینه

The Cabinet

کابینه یک کمیته کوچک متشکل از ۲۰ سیاستمدار ارشد میباشد که معمولاً به طور هفتگی همدیگر را ملاقات و در مورد خط مشی و سیاست عمومی دولت تصمیم میگیرند. در میان آنها که در کابینه مشارکت دارند که شامل وزیر مسئول اقتصاد (وزیر دارایی) قانون و نظم و مهاجرت (وزیر کشور) - امور خارجی (وزیر امور خارجه) - آموزش، سلامتی و دفاع میشوند. تصمیمات کابینه در مورد قوانین و موضوعات بزرگ سیاسی جهت تصویب تقدیم مجلس میشود.

قانون اساسی بریتانیا

THE BRITISH CONSTITUTION

بیان اینکه یک دولت (کشور) دارای یک قانون اساسی است میتواند دو معنی متفاوت در کشورهای مختلف داشته باشد. به طور معمول بدین معناست که کشور دارای یک سری قوانین مکتوب میباشد که چگونگی اداره و ساخت قوانین دیگر را توضیح میدهد که این قوانین حقوق و وظایف شهروندان را ایجاد و تنظیم میکند که بوسیله دادگاه های وابسته به قانون اساسی یا دادگاه های عالی اجرا میشود.

اما گاهی اوقات قانون اساسی مکتوبی وجود ندارد و بنابراین شرایط و زمان تعیین میکند که چه طور یک دولت حکومت کند و اینکه چگونه اصول اصلی حقوقی دولت، و عرف و سنت توسط دولت و سیاستمداران رعایت میشود.

قانون اساسی UK یک قانون اساسی غیر مکتوب میباشد. اما با این وجود قوانین تصویب شده توسط مجلس بوسیله هیچ دادگاه بریتانیایی به طور مستقیم مورد بحث و جدل قرار نمی گیرد و این دولت را محدود میکند. قوانین حداکثر مدت زمان پارلمان، سیستم انتخاباتی، صلاحیت و شرایط شهروندی و حقوق افراد غیر شهروند را تعیین میکند. برای خود پارلمان نیز قوانین و روش هایی و تفسیرهایی از قوانین که بوسیله دادگاه ها در سایه سنن و قوانین مشترک ساخته شده اند، وجود دارد.

حاکمیت

SOVEREIGNTY

اصول بنیادی قانون اساسی بریتانیا حاکمیت پارلمان میباشد. اما امروزه تصمیمات اتحادیه اروپا نیز باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا بریتانیا معاهده نامه هایی را جهت ورود به اتحادیه اروپا پذیرفته است و همچنین دادگاه های بریتانیا باید به قضاوت دادگاه های اروپایی و قانون جدید حقوق بشر توجه داشته باشند. رساله هایی از روی قانون اساسی بریتانیا و قوانین وابسته به قانون اساسی نوشته شده است البته هیچ ماخذی به طور کامل با ماخذ دیگر موافقت ندارد. بعضی از بحث ها و مشاجرات وابسته به قانون اساسی فوق سیاسی هستند مانند چگونگی ترکیب و یا تعیین بهترین سیستم انتخابات ملی و محلی میباشد. **House of Lords** قدرت مجلس اعیان (مجلس لرد ها) بسیاری از اصلاح طلبان مثل سومین حزب بزرگ در وست مینستر (لیبرال دموکرات) تقاضای مکتوب شدن قانون اساسی را دارند.

اما دیگران شامل رهبران احزاب کارگر و محافظه کار به پیوستگی و انعطاف پذیری تاریخی ارزش نهادند و خواسته ای برای بررسی این موضوع مهم در دادگاه وابسته به قانون اساسی مانند آنچه در ایالات متحده و دیگر کشورهای دموکرات وجود دارد، نمی بینند. آنچه که سبب حفظ این سیستم نا مکتوب شده آن است که رهبران احزاب پیشینیه سیاسی این آداب و سنن را مورد بررسی قرار میدهند.

آداب و رسوم

Conventions

آداب و رسوم و سنن در زندگی سیاسی بریتانیا بسیار مهم هستند برای مثال دومین حزب بزرگ در مجلس عوام با وجود مخالف بودن با دولت وقت با نام "جناب مخالف وفادار به علیا حضرت Her Majesty' Loyal Opposition خوانده میشود

در پارلمان مدت زمان تضمین شده ای برای بیان و بحث در مورد موضوعی که خود فرد انتخاب کرده است، وجود دارد و از این حق نماینده، سخنگوی مجلس که ریاست شرح مذاکرات را بعهده دارد، دفاع میکند.

رهبر حزب مخالف دارای دفتر در مجلس میباشد و حمایت مالی از خزانه داری (دارایی) برای دفترش و همینطور برای کابینه حزب سایه دریافت میکند. که اینها در واقع اعضاء ارشد حزب عمده مخالف میباشد که سایه وزیران دولت در وزارتخانه های مختلف هستند. رهبر حزب مخالف دارای یک وضعیت وابسته به قانون اساسی میباشد (و به همین دلیل در نوشتن از حروف بزرگ استفاده شده است). او در تشریفات رسمی و قانونی مانند بازگشایی مجلس توسط ملکه و یا نثار تاج گل در روز یادبود بر آرامگاه سرباز گمنام در وایت هال در کنار نخست وزیر می ایستد.

زمان پرسش - اعضا پارلمان ممکن است درخواست سؤال از وزیران دولت را بر طبق عرف و معاهده مجلس بدهند. سئوالات از نخست وزیر توسط رهبر حزب مخالف صورت میگیرد و معمولاً به طور زنده و پر جنب و جوش و مجادله ای است و به طور گسترده گزارش میشود.

یک سیستم حزبی رقابتی

A competitive party system

تحت لوای سیستم بریتانیایی دموکراسی پارلمانی، کاندیداها توسط احزاب سیاسی نامزد میشوند البته گاهی اوقات شخصی به طور مستقل کاندید میشود آنها با هم برای کسب آرای رای دهندگان در انتخابات عمومی بوسیله رای گیری رقابت میکنند. (انتخابات در صورت فوت یا استعفاء یک نماینده نیز تا پر شدن جای خالی وی صورت

میگیرد). منازعه و کشمکش مابین احزاب در جهت تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی نه تنها در زمان انتخابات بلکه در دیگر مواقع نیز ادامه دارد.

نقش رسانه ها

The role of the media

امروزه شرح مذاکرات پارلمان توسط تلویزیون دیجیتالی پخش و در گزارشات رسمی مشهور به هنسارد ثبت میگردد. اگرچه کپی های این هنسارد در کتابخانه های بزرگ و همین طور در سایت اینترنتی پارلمان به آدرس:

www.parliament.uk وجود دارد ولی بیشتر مردم اطلاعات خود را از موضوعات سیاسی و رخدادها از طریق رادیو، تلویزیون و روزنامه ها کسب میکنند.

در بریتانیا مطبوعات آزاد وجود دارند و آن بدین معناست که مطبوعات از کنترل مستقیم دولت آزادند. صاحبان و سردبیران بیشتر روزنامه ها دارای عقاید سیاسی قوی هستند و یک سلسله فعالیت های سازمان یافته در جهت تحت نفوذ قرار دادن سیاست دولت انجام میدهند. همه روزنامه ها ویژگی خاص خودشان را در گزارش و تفسیر رخدادهای سیاسی دارند. گاهی اوقات تشخیص نظریه از واقعیت بسیار مشکل میشود. سخنگو های تمامی احزاب سیاسی نگرش خودشان را بر روی چیزها اضافه میکنند که این مشهور به اسپین "Spin" است.

در بریتانیا قوانین کشور در گزارشات سیاسی رادیو و تلویزیون باید متعادل شوند. در عمل این به معنای دادن زمان برابر برای دیدگاه های رقیب و مخالف است. رسانه ها (رادیو و تلویزیون و روزنامه ها) جهت مصاحبه با سیاستمداران به روش زنده و محکم آزاد هستند البته تا جایی که رقیبان آنها کم و بیش و به همان روش مصاحبه و بحث کرده اند.

در طی انتخابات عمومی به احزاب اصلی در رادیو و تلویزیون زمان آزادی داده میشود تا یک برنامه کوتاه سیاسی جهت حزب خود را بسازند. در درس شهروندی مدارس، جوانان تشویق به مطالعه روزنامه های منتقدانه و پی گیری اخبار و برنامه های کاری در حال اجرا در رادیو و تلویزیون میشوند.

نهاد های رسمی

THE FORMAL INSTITUTIONS

دولت و سیاست در بریتانیا ، عمدتاً به صورت نهاد های سنتی ، که شامل قوانین و معاهدات که برای کسب اطمینان از قبول شکست انتخابات در پارلمان و شکیبایی صلح آمیز و رفتارهای قابل قبول بین رقبای سیاسی است ، میباشد

سلسله مراتب سازمانی عبارتند از : سلطنت مشروطه - مجلس عوام - مجلس اعیان - سیستم انتخاباتی - سیستم حزبی و گروه های فشار - قوه قضائیه - پلیس - خدمات اجتماعی - دولت محلی - و حکومت جدید التاسیس تفویض شده به ولز - اسکاتلند - ایرلند شمالی - با همدیگر به همراه شمار زیادی نمایندگی های نیمه مستقل که Non Departmental Publid Bodies و به صورت رسمی quangos توسط دولت نصب شده اند معروف به معنای سازمانهای غیر دولتی عمومی نامیده میشوند .

یک سلطنت مشروطه

A constitutional monarchy

بریتانیا دارای یک سلطنت مشروطه است . دیگر سلطنت های مشروطه موجود در دانمارک - هلند - نروژ - اسپانیا و سوئد وجود دارند. در یک سلطنت مشروطه قدرت شاه و ملکه طبق قانون اساسی و معاهده ها محدود شده است.

در بریتانیا ملکه یا شاه باید تصمیمات کابینه و پارلمان را قبول کند. پادشاه میتواند دیدگاه های خود را از دولت به طور خصوصی به طور مثال در ملاقات هفتگی شان معروف به اودیانس " audience " = ملاقات رسمی به نخست وزیر ابراز کند. اما در تمام موضوعات و بحث های دولت باید پیرو مشورت نخست وزیر باشد. ملکه یا پادشاه میتواند فقط پیشنهاد دهند ، اخطار کنند یا تشویق کنند (در یک عبارت مشهور پیشنهاد - هشدار - تشویق) اگر پادشاه در هر صورت در عموم عقاید خود را آزادانه در جهت طرفداری یا مخالفت با خط مشی دولت ابراز کند این به معنای یک بحران اساسی در کشور خواهد بود.

ملکه کنونی از زمان مرگ پدرش در سال ۱۹۵۲ به حکومت رسید. وارث او بزرگترین پسرش پرنس ولز میباشد به او اجازه داده شده که عقاید خود را در محدوده محیط زیست و یا موضوعات دیگر در مقابل عموم بیان کند اما زمانی که او شاه شد از او خواسته میشود که فقط در مراسم تشریفاتی صحبت یا فعالیت کند .

امروزه افراد معترضی وجود دارند که میگویند بریتانیای مدرن باید یک حکومت جمهوری با یک رئیس جمهور انتخابی داشته باشد. به هر حال علیرغم نقد بعضی اعضا، خانواده سلطنتی - سلطنت هنوز مهم باقی مانده است و

هنوز در بین بسیاری از مردم بریتانیا محبوبیت دارد و امروزه به مانند سمبل اتحاد ملی می باشد. مردم مابین اشخاص خانواده سلطنتی و نهادی سنتی که آنان نمایندگان آن هستند تفاوت قائل هستند.

ملکه رئیس کشور (Head of State) است. او همچنین پادشاه یا رئیس کشور در هر دو معنای سمبولیک و تشریفاتی در بیشتر کشورهای مشترک المنافع است. نقش مهم تشریفاتی ملکه در این کشور شامل افتتاح و اختتام پارلمان در هر سال در شروع یک فصل جدید پارلمانی میباشد او در این زمان بنا به سنت خطابه ملکه را از روی یک تخت در مجلس اعیان میخواند و سیاست های دولت را برای فصل آینده اظهار مینماید. امروزه هرچند اینها کاملاً دیدگاه های نخست وزیر و کابینه است.

پادشاه همچنین نامه های انتصاب را برای دارندگان مناصب عالی در بین دولت - نیروهای ارتش و کلیسای انگلستان را میدهد. البته همیشه با توجه به پیشنهاد نخست وزیر.

مجلس عوام

The House of Commons

مجلس عوام مرکز بحث ها و گفتمان های سیاسی در بریتانیا و بالاترین مرجع قدرت میباشد. محل آن همانند مجلس اعیان (لرد ها) در قصر عظیم وست مینستر میباشد. در زمان قرون وسطی مجلس اعیان (لرد ها) قدرت بیشتری داشت و هنوز هم شما میتوانید بشنوید که گزارشگران رادیو و تلویزیون مجلس عوام را (Lower House = مجلس پائین تر) و مجلس اعیان (لرد ها) را (Upper House = مجلس بالاتر) می خوانند امروزه مجلس عوام بر میتواند همیشه بر مجلس اعیان (لرد ها) مسلط باشد و حکم مخالف آن بدهد در صورتی که مجلس اعیان فقط میتواند تصویب قانون جدید را به تاخیر بیاندازند.

نمایندگان مجلس

MPs

ام پی ها یا نمایندگان مجلس کسانی هستند که در مجلس عوام از بین ۶۴۵ حوزه انتخاباتی در UK انتخاب شده اند. آنها دارای مسئولیت های مختلف هستند. آنها به جای تمامی افراد حوزه انتخاباتی خود در مجلس حضور دارند آنها به ایجاد و شکل دادن قوانین جدید کمک میکنند آنها با دقت اعمال دولت را بررسی و تفسیر میکنند و آنها مکانی را برای تبادل نظر در مورد مباحث مهم ملی تهیه میکنند. اگر شما از مجلس عوام دیدن کنید شما ممکن است که چند نماینده را در تالار عمومی (تالار مناظره) در حال مباحثه ببینید. این به این دلیل است که بیشتر کارها در کمیته ها انجام میشود مانند: بررسی و وضع و تصویب قانون، تحقیق در امور اداری یا تهیه یک گزارش بر روی مسائل مهم.

دیدار کردن از پارلمان

Visiting Parliament

بالکن های فوقانی ای در هر دو مجلس عوام و اعیان وجود دارد که عموم، امکان شنیدن بحث ها در هر دو مجلس و بسیاری از کمیته ها را پیدا می کنند. شما میتوانید به نماینده محلی خود بنویسید و تقاضای بلیط کنید این بلیط رایگان است و احتیاج به پرداخت هزینه ندارد اما نماینده ها فقط یک سهمیه کوچک از بلیطها را دارند بنابراین درخواست ها را باید از خیلی قبل نوشته شود.

در غیر اینصورت در روز شما می توانید به صف روبروی در ورودی عمومی ملحق شوید البته برای بحث های مهم یک زمان انتظار یک تا دو ساعته عادی میباشد. داخل شدن به مجلس اعیان آسانتر است از افسر پلیس در همان ورودی عمومی سؤال کنید که کجا باید بروید. برای جزئیات بیشتر میتوانید به وب سایت پارلمان به آدرس زیر بروید.

www.parliament.uk

سخنگو

The Speaker

سخنگوی مجلس عوام یک نماینده (MP) معمولی است که مورد احترام تمام طرفین مجلس است و بوسیله همکاران نماینده اش انتخاب میشود. او نقش مهمی در نگهداری نظم و ترتیب در طی بحث ها به طور بیطرفانه و منصفانه دارد. او نمایانگر مجلس عوام در رخدادهای تشریفاتی و همین طور وظیفه او اطمینان از بدون اشکال بودن مداوم وظایف مجلس میباشد.

ناظمین پارلمانی

The Whips

ناظمین پارلمانی گروه کوچکی از نمایندگان هستند که بوسیله رهبران حزبی خود منصوب میشوند. وظیفه آنان اطمینان از رعایت دیسیپلین و حضور یابی نمایندگان در زمان رای گیری در مجلس میباشد. رئیس ارشد ناظمین پارلمانی به طور معمول در کابینه یا سایه کابینه حضور دارد، همچنین او با سخنگوی مجلس در مورد برنامه کاری مجلس و جدول ساعت کار و دستور وظایف ملاقات و گفتگو میکند.

مجلس اعیان

The House of Lords

مجلس اعیان در نیمه های یک تغییر بزرگ است. تا همین اواخر، اعضاء مجلس اعیان (لردها)، اشراف کشور پادشاهی که به طور ارثی اشراف زاده هستند و عضویت در مجلس اعیان به طور موروثی به آنها رسیده است و همین طور افرادی که به واسطه خدمات عمومی خود، به طور مثال، در جنگ، در امپراطوری یا در دولت، به عنوان پادشاه عضویت در مجلس اعیان داده میشود.

آنها وظیفه خاصی برای انجام ندارند تا در مجلس اعیان حضور پیدا کنند و بسیاری نیز اینکار را نمی کنند.

در سال ۱۹۵۷، قانون جدیدی از تصویب گذشت که به نخست وزیر این اختیار را میداد که اشراف عضو مجلس اعیان را فقط در طول عمر همان اشراف زاده (یعنی به طور موروثی عضویت مجلس اعیان به ارث نرسد) منصوب کند این اشراف، به **Life Peers** معروف هستند که به عنوان اشراف عضو مجلس اعیان کار میکنند و تشویق میشوند تا در بحث های مجلس اعیان در زمان های مشخص شرکت کنند. امروزه آنها به عنوان اشراف عضو مجلس اعیان منصوب میشوند ولی به طور معمول آنها دارای یک شغل متمایز در سیاست، تجارت، قانون یا دیگر مشاغل دارند. اخیراً حق عضویت و شرکت در مجلس اعیان برای اشراف عضو مجلس اعیان که به طور ارثی به این مقام رسیده اند برداشته شده است البته به آنها اجازه داده شده که تعدادی را از میان خود برای ادامه حضور در مجلس اعیان انتخاب کنند.

هرچند، انتصاب اشراف عضو مجلس اعیان، توسط نخست وزیر همچنان ادامه دارد، اما طبق رسم و سنت همیشه افرادی نیز به طور خودکار عضو مجلس اعیان به حساب می آیند. این افراد شامل: افرادی که توسط رهبران دیگر احزاب کاندید میشوند، اسقف اعظم کلیسای انگلند، همین طور بیشتر قضات عالی، اشراف عضو مجلس، همچنین اعضاء دیگر فرقه های مسیحی و همینطور ادیان دیگر (مسلمان - هندو - سیک - یا بودایی - همین طور غیر مذهبی ها و اومانیزست ها (مردم گرا ها) هستند.

امروزه، نقش اصلی مجلس اعیان، بررسی در جزئیات و در فرصت بیشتر، بررسی قوانین جدید پیشنهاد شده مجلس عوام است و همینطور پیشنهاد اصلاحیه نسبت به طرح قانونی پیشنهادی مجلس عوام و یا تغییر آن میباشد. در این مورد مجلس اعیان ممکن است تصویب قانون را در مجلس عوام به تاخیر بیاورد اما از تصویب آن نمی تواند جلوگیری کند.

مجلس اعیان به طور متناوب، موضوعات مجلس عوام را مورد بحث قرار میدهند. کمیته مجلس اعیان همچنین، گاه به گاه، یک گزارش بر روی یک مسئله ویژه اجتماعی و یا تحقیق بر روی بعضی جلوه های کار دولت را ارائه داده است.

برای جلوگیری کردن از باقی ماندن یک دولت در قدرت بدون انجام انتخابات، مجلس اعیان دارای حق مسلم برای رد قانون پیشنهادی دولت در جهت ارتقاء مدت فعالیت پارلمان بیشتر از دوره پنج ساله میباشد. اگر این اتفاق بیفتد، مجلس عوام میتواند مجلس اعیان را منحل کند چه کسی میتواند چنین جریانی را به تاخیر بیاندازد! این موضوع بعید اما قابل شرح است که چه طور قانون اساسی در UK بیشتر به عرف و سنت وابسته است تا به قوانین محض.

سیستم انتخاباتی

The electoral system

نمایندگان مجلس عوام بوسیله سیستم انتخاباتی پستی "first past the post" انتخاب میشوند کاندیدایی که در حوزه انتخاباتی خود بیشترین رای را نسبت به رقیبان خود آورده باشد حتی اگر میزان رایش آنچنان بالا نباشد به عنوان نماینده مجلس انتخاب میشود. در مجلس عوام دولت توسط حزبی که اکثریت کرسی های پارلمان را بدست آورده است تشکیل میشود حتی اگر حزب مخالف او میزان رای بیشتری داشته باشد،

طبق این سیستم شمار کرسی ها نشان دهند برنده است و همیشه به طور متناسب بزرگتر از تعداد رای مردمی آنهاست به این دلیل بعضی مردم به این سیستم اعتراض دارند که این سیستم باید عوض شود و به یک فرم دیگر از انتخابات به نام انتخابات نسبی (نماینده‌گی به نسبت جمعیت Proportional Representation) همانند آنچه در ایرلند و بیشتر قسمت های قاره اروپا انجام میشود تغییر پیدا کند.

هرچند هیچکدام از احزاب عمده UK به این موضوع علاقه ای نشان نمی دهند و میگویند که داشتن اکثریت بالقوه در کرسی های مجلس عوام، ثبات دولت و استواری و قوت آن را تضمین میکند ولی انتخابات نسبی

مسبب ایجاد بی ثباتی و اتحاد و ائتلافی موقت خواهد شد. PR = proportional Representation.

به هر صورت پارلمان اسکاتلند و مجلس ولز هر دو دارای سیستم انتخاباتی متفاوتی از نوع پی آر (انتخابات نسبی) را برگزیدند که آنها را مطمئن میکند که فقط یک حزب تنها بر مجالس آنها چیره نخواهد شد مانند آنچه از طریق سیستم پستی "first past the post" روی میدهد

مشابها استفاده از پی آر PR برای انتخابات مجلس در ایرلند شمالی به معنای متوقف ساختن یونیونیست ها (= اتحادیه گرا ها - عمدتا پروتستان) میباشد اکثریت رای دهندگان تمامی پست های دولت را اشغال کردند تا اطمینان حاصل کنند که تقسیم قدرت با احزاب ناسیونالیست ایرلندی (به طور قاطعانه کاتولیک) انجام میشود. در انتخابات پارلمان اروپا شکل های دیگری از PR به منظور هماهنگ شدن عملی بیشتر با اتحادیه اروپا اتخاذ شد.

سیستم حزبی و گروه های فشار

The party and pressure groups

سیستم سیاسی بریتانیا حقیقتاً یک سیستم حزبی برای انجام تصمیمات و هدایت انجام انتخابات است. فقط تعداد کمی نماینده های مستقل و یا نمایندگان از احزاب کوچکتر وجود دارد. احزاب عمده سیاسی دارای شعبه های وابسته در هر حوزه انتخاباتی در کل بریتانیا میباشند. حزب محلی، گزینش کاندیداها، مطرح کردن خط مشی سیاسی رای دهندگان در انتخابات ملی، محلی و اروپایی را سازماندهی میکند. کنفرانس های سالیانه احزاب ملی به دقت برنامه ریزی شده و بسیار خوب بر روی این واقعه تبلیغ میشود. در این کنفرانس ها خط مشی سیاسی و عمومی حزب به بحث گذاشته میشود و احزاب محلی میتوانند تاثیر مهمی بر روی رهبریت پارلمان بگذارند.

نظرسنجی عقاید عمومی برای رهبران هر حزبی بسیار با اهمیت است. رهبران حزب میدانند که باید شمار زیادی از رای دهندگانی را که عضو حزب نیستند و کسانی را که در سالهای اخیر کمتر در رای خود ثابت و کمتر رای آنها قابل پیش بینی بوده را تحت تاثیر و متقاعد و متمایل به خود کنند.

اعضاء حزب سیاسی در بریتانیا در چند سال اخیر به سرعت کاهش یافته است شاید این موضوع نتیجه توافق و مشابهت و همزبانی در جواب پرسش های عمده ای چون مدیریت اقتصاد میباشد هر دو در جستجوی بستر متوسطی از تفاوت های سیاسی و اصولی هستند بنابر این تفاوت بین سیاست و قاعده درک و فهمیدن حزب را مشکل تر میکند. و شاید دلیل دیگر این باشد که مردم حالا ساعات طولانی تر و سخت تری را به جهت رسیدن به بیشترین حد از یک زندگی استاندارد شده کار میکنند و میتوانند وقت کمتری را برای خدمات عمومی بگذارند. هیچکس نمیداند آیا این تغییر موقت و گذرا است یا تغییری بلند مدت است. ترکیب این مشکلات موجب کاهش در انتخابات شده است بخصوص این کاهش در رده سنی بین ۱۸ تا ۲۵ سال تبدیل به یک نگرانی عمومی شده است که به طور گسترده ای در مطبوعات و در رادیو و تلویزیون مورد بحث قرار گرفته است.

گروه های فشار

Pressure groups

گروه های فشار سازمان هایی هستند که سعی میکنند سیاست و خط مشی دولت را چه مستقیم یا غیر مستقیم تحت تاثیر قرار بدهند گروه های زیادی مانند آن در بریتانیا امروزه وجود دارد و آنها بخش مهم و رو به افزایشی از

زندگی سیاسی بریتانیا را تشکیل می‌دهند. به طور عام - امروزه شهروندان عادی بیشتر به حمایت و پشتیبانی از گروه‌های فشار علاقه نشان می‌دهند تا به پیوستن به یک حزب سیاسی. گاهی اوقات مردم بین گروه‌های فشار و لابی تفاوت قائلند. به نظر نمی‌رسد که لابی‌ها یا گروه‌های کشش مانند گروه داوطلبانه‌ای از شهروندان عادی باشند اما به مانند انعکاس خواسته‌های بازرگانی، مالی، صنعتی، تجاری و یا سازمان‌های حرفه‌ای می‌باشد

قوه قضائیه

The judiciary

از زمان قرون وسطی قضات به اینکه خودشان مستقل از سلطنت و پادشاهی هستند افتخار می‌کنند. تحت نظر سیستم بریتانیا قضات هرگز نمی‌توانند با جنبه‌های قانونی قوانین تصویب شده توسط پارلمان مبارزه کنند. اما آنها قانون مصوب را مورد تفسیر قرار می‌دهند و اگر یک قانون - قانون حقوق بشر را نقض کند قضات می‌توانند اعلام کنند که آن مغایر با قوانین حقوق بشر است بعد از آن قانون مزبور باید عوض شود.

طبق قانون، قضات در دادگاه‌های عمومی قانون را مانند گذشته به کار می‌برند و این تضمین می‌کند که پرونده‌های مشابه به طور یکسان و بی‌تناقض رسیدگی می‌شود. به هر حال دفاعاتی وجود داشته‌اند که شرایط پرونده قبلا وجود نداشته است یا اینکه قضات عالی‌مقام مشخص می‌کنند که قضاوت موجود در پرونده با جامعه امروزی همخوانی ندارد در این وضعیت قانون تغییر و یا قانون جدیدی توسط تصمیمات آنها وضع می‌شود

قضات در بریتانیا توسط وزیر دولت منصوب می‌شوند. *The Lord Chancellor* از نامزدهایی که توسط قضات موجود تعیین شده‌اند انتخاب می‌شود. اسامی پیشنهاد شده وکیل‌های ارشدی هستند که ایمان دارند که توانایی و قضاوت مورد لزوم، جهت این شغل را دارند. هرچند در چند سال اخیر از دولت خواسته شده (دولت در حال پاسخگویی است) که این فرایند باید شفاف‌تر و واضح‌تر برای اعضا، مطبوعات و عموم مردم باشد، همچنین احساس شده که قضات باید بیشتر نمایانگر اکثریت مردم باشند. بسیاری به اینکه قضات از بخش بسیار محدودی از جامعه هستند و زنها و اعضا اقلیت‌های قومی به اندازه کافی در این رشته وجود ندارند.

پلیس

The police

پلیس بر روی یک اصل محلی سازماندهی شده و معمولاً دارای یک نیرو برای هر بخش (محله) میباشد. بزرگترین نیروی پلیس در مترو پولیتن مستقر شده به همراه اسکاتلند یارد جدید که به شهر لندن خدمات ارائه میدهند. پلیس دارای استقلال عملیاتی است و این به این معناست که دولت به آنها نمی تواند دستور بدهد که شخصی را دستگیر و یا بر علیه او اقدام قانونی انجام بدهند. مسئولین پلیسی، توسط شورای شهر و قاضی دادگاه شهربانی انتخاب میشوند که مدیریت پلیس را کنترل میکنند و همین طور این کنترل از وظایف وزارت کشور نیز میباشد. یک مامور مستقل و غیر وابسته شکایات جدی بر علیه پلیس را مورد تحقیق قرار میدهد.

خدمات کشوری (خدمات اجتماعی)

The Civil Service

تعداد زیادی از مدیران و مجریان مستقل و غیر وابسته به دولت خدمت میکنند که شغل آنها به مرحله عمل رساندن خط مشی دولت است آنها مشهور به مستخدم کشوری هستند. خصوصیات اصلی خدمات کشوری بی طرفی سیاسی و حرفه ای گرایی آنهاست. قبل از نیمه های قرن نوزدهم، خدمتگزاران کشوری توسط وزیران منصوب میشدند و باید از طرفداران و هواخواهان حزب حاکم میبودند. اصلاح و بازسازی خدمات کشوری در اوایل قرن نوزدهم و زمانی که کمپانی هند شرقی اداره هندوستان را به دست داشت شروع شد. در آنجا برای جلوگیری از فساد و پارتی بازی و تبعیض گذاری در استخدام از متقاضیان میخواستند که تا در امتحانی رقابتی با دیگران شرکت کنند. در دهه ۱۸۶۰ این سیستم به خدمات کشوری داخل کشور توسعه پیدا کرد و توسعه آن با تعدیل و اصلاح فراوان هنوز ادامه دارد.

اعضاء خدمات کشوری بریتانیا، امروزه خدمتگزاران مادام العمری هستند که برای هر حزبی که در قدرت است کار میکنند. این بیطرفی بسیار مهم است البته گاهی اوقات برقراری یک توازن بسیار مشکل است. خدمتگزاران کشوری اگر فکر میکنند که یک سیاست یا خط مشی دولت غیر عملی یا حتی برخلاف مصلحت عمومی است باید به وزیران اطلاع دهند البته باید نهایتاً یک راه برای عملی کردن خط مشی و سیاست دولت انتخابی پیدا کنند.

حزب سیاسی رسمی تمایل دارند که هر کاری انجام دهند تا سیاست دولت جلوه محبوب و مساعدی داشته باشد.

خدمتگزاران کشوری ممکن است در وضعیت دشواری قرار بگیرند اگر آنها تصور کنند که یک وزیر نسبت به نتیجه یک سیاست ویژه بسیار خوش بین است و یا اینکه وزیری از آنها تقاضا کند تا کاری انجام دهند که حزب مخالف بی اعتبار شود.

در گذشته مفسران سیاسی مشکوک بودند که خدمتگزاران کشوری به آسانی خط مشی و سیاست خودشان را به وزیر جدید تحمیل می کنند اما حالا شک براین است که اغلب خدمتگزاران کشوری متناوبا با فشار وارد یک پشتیبانی آزاد برای سیاست های حزب که آنها فکر میکنند هم غیر عملی و هم ناسازگار با دیگر سیاست هاست بشوند.

مانع بزرگ دیگری که از درگیر شدن خدمتگزاران کشوری در مسائل سیاسی جلوگیری میکند علم براین است که اگر یک انتخابات عمومی حزب دیگری را بر سر قدرت بیاورد آنها باید با یک دولت جدید و یک دسته اهداف و سیاست های کاملا متفاوت کار کنند.

زمانی که یک انتخابات سرتاسری در حال انجام است و یا همه در انتظار داوری و اعلام نتایج هستند خدمتگزار ارشد کشوری از نزدیک سیاست های حزب مخالف را مطالعه و بررسی میکند تا اینکه آنها آماده باشند تا در دولت جدید با صداقت و وفاداری خدمت کنند.

دولت محلی

Local government

شهرک ها ، شهرها و مناطق روستایی در بریتانیا توسط سیستم دولت محلی و یا شوراهای (که معمولا هم به مسئولان محلی ارجاع داده میشود) اداره میشوند. بسیاری از مناطق دارای هم ناحیه وهم بخش هستند اگر چه شهرک های بزرگ و شهرها متمایل به این هستند که توسط یک قدرت واحد اداره شوند که به این نامها نامیده میشوند: بارو(مناطق مستقل شهر borough) - ناحیه متروپولیتن- شورای شهر، مسئولین محلی، مسئول فراهم کردن یک سلسله از خدمات اجتماعی در منطقه مانند آموزش و پرورش ، برنامه ریزی ، بهداشت محیط زیست ، حمل و نقل مسافری ، سرویس آتش نشانی ، مددکاری اجتماعی ، سیستم دفع فاضلاب ، کتابخانه ها و خانه سازی میباشد.

امروزه مسئولان محلی در انگلند و ولز به طور قابل ملاحظه ای کنترل کمتری بر روی سازمان های مسئول این خدمات نسبت به گذشته دارند.

کاری که از دولت محلی درخواست میشود و تصمیم آن را دولت مرکزی میگیرد به خدمات اجباری یا "mandatory services" نامیده میشود. شهروندان در صورتی که همه آنها را دولت محلی انجام ندهد میتوانند به دادگاه مراجعه کنند.

البته همچنین خدمات مجاز “permissive services” نیز وجود دارد هرچند کمتر از گذشته است. این خدمات نوعی از خدمات است که در صورتی ارایه میشود که دولت محلی بخواهد و استطاعت انجامش را داشته باشد. در انگلند و ولز ممکن است فقط خدمات مجاز ارایه شود اگر اختیار انجام آن را قانون مصوب دولت داده باشد.

هرچند در اسکاتلند تحت لوای قانون تفویض، قدرت محلی هر کاری را که صراحتاً ممنوعیتی برای انجامش ندارند انجام میدهد. این یک سیستم ساده تر و قابل فهم تر و عملی تر است اما محدودیت مالی باعث میشود که دو سیستم پیشتر ساده تر به نظر برسند.

قسمت اعظم هزینه های دولت محلی، توسط دولت مرکزی و از محل درآمدهای مالیاتی تامین میشود. فقط در حدود ۲۰ درصد هزینه ها توسط عوارض شهرداری محلی تامین میشود. سیستم های بسیار دقیق و مشخص پاسخگویی وجود دارد که تعیین میکنند که هزینه های جاری در دولت محلی چگونه مصرف شده اند و اکنون دولت شروع به بررسی این موضوع نموده که چه مقدار از بعضی خدمات اجتماعی محلی را گروه های اجتماعی داوطلب میتوانند انجام دهند. برخی این موضوع را کم شدن قدرت دولت محلی تصور میکنند اما برخی دیگر آن را نوعی درگیر کردن بیشتر شهروندان عادی با چگونگی اداره کردن منطقه خودشان میبینند.

انتخابات برای اعضاء شورای دولت محلی در ماه مه هر سال انجام میشود. بسیاری (اما نه همه) کاندیداها عضو یکی از حزب های سیاسی هستند. تعداد کمی از شهرها در بریتانیا مانند لندن دارای شهردار انتخابی خود هستند که قدرت زیادتری برای اداره امور محلی دارد. خدمت در شورای شهر محلی هنوز اغلب اولین قدم (البته کمتر از قبل) برای رسیدن به این است که حزب محلی کسی را برای انتخاباتی مانند انتخابات پارلمان یا مجمع یا پارلمان اروپا در استراسبورگ کاندید کند.

تفویض حکومت

DEVOLVED ADMINISTRATION

در سال ۱۹۹۷، دولت به قصد دادن قدرت کنترل بیشتری به مردم اسکاتلند و ولز بر روی موضوعاتی که در رابطه مستقیم با امور آنها قرار میگرفت، اقدام به تفویض قدرت از دولت مرکزی نمود. از سال ۱۹۹۹، ولز دارای یک مجلس و اسکاتلند دارای یک پارلمان شد، و حالا دولت در نظر دارد یک دولت منطقه ای در انگلند ایجاد کند جایی که تقاضای مسلم آن را دارند.

به هر حال، سیاست و قانون دفاعی دولت، امور خارجه، مالیات گذاری، تامین اجتماعی، تحت کنترل دولت در لندن باقی میماند اگرچه ممکن است این موضوعات در پارلمان اسکاتلند و مجلس ولز مورد بحث هم قرار بگیرد.

مجلس ملی ولز

The National Assembly for Wales

مجلس ملی ولز در کاردیف واقع شده است. این مجلس دارای ۶۰ عضو (AMs = Assembly Members) است و انتخابات هر ۴ سال انجام میشود. اعضای این مجلس می توانند به زبان انگلیسی یا ولزی صحبت کنند و تمام اعلامیه ها و انتشارات مجلس نیز به هر دو زبان میباشد. مجلس ملی ولز دارای قدرت تدوین قوانین جدا برای ولز را ندارد ولی ممکن است پیشنهاد قوانینی را برای تصمیم گیری به پارلمان یوکی در وست مینستر بدهد. اگر چه دارای قدرت برای تصمیم گیری بر روی بسیار مسائل مهم دیگری نظیر: سیاست آموزشی، محیط، خدمات بهداشتی، حمل و نقل و دولت محلی را دارد. این در حالی است که قوانین حاضر به وزرای ولز اجازه محتاطانه در اتخاذ تصمیمات در قوانین و مقررات میدهد.

پارلمان اسکاتلند

The Parliament of Scotland

پارلمان اسکاتلند در نتیجه مبارزات مردم اسکاتلند برای استقلال و کنترل دموکراتیک بیشتر به وجود آمد. محل این پارلمان در ادینبورو و Edomburgh واقع است. برای مدتهای طولانی آنها دارای یک حکومت تفویض شده بودند که به وسیله دولت اسکاتلندی اداره میشد ولی دارای بدنه انتخابات ملی نبود. رفرندام برای یک پارلمان اسکاتلندی بار اول در سال ۱۹۷۹ انجام شد ولی نتوانست حمایت کافی را کسب کند اما وقتی در سال ۱۹۷۷ رفراندوم دیگری انجام شد و دو موضوع ۱ - مستقر شدن یک پارلمان اسکاتلندی ۲ - داشتن قدرت هایی محدود برای تغییر مالیات بر درآمد را به رای گیری گذاشتند با رای آری قاطع رای دهندگان مورد تصویب قرار گرفت.

امروزه پارلمان اسکاتلند دارای ۱۲۹ عضو (MSPs = Members of the Scottish Parliament) در ادینبورو میباشد. این اعضا بوسیله یک انتخاب نسبی انتخاب میشوند. بدون هیچ شباهتی به مجلس ملی ولز، پارلمان اسکاتلند ممکن است قانونی را مورد تصویب قرار دهد نه در خصوص تصمیمات از قبل گرفته شده وست مینستر (امور خارجی، دفاع، سیاست های اقتصادی عمومی، تامین اجتماعی)

پارلمان اسکاتلند بلحاظ مالی توسط دولت UK حمایت میشود. و میتواند آنگونه که انتخاب میکند هزینه نماید. پارلمان دارای قدرت قانونی برای ساختن تغییرات کوچک در پائین آوردن میزان پایه مالیات بر درآمد است، که مدتی طولانی از به کار گیری آن نمی گذرد، و اتخاذ روشهایی برای بحث، تصویب قوانین و قابل دسترسی به عموم است (همه به طور آگاهانه ای متفاوت از روش های سنتی وست مینستر است)

مجلس ایرلند شمالی

The Northern Ireland Assembly

پارلمان ایرلند شمالی که اغلب استورمونت Stormont نامیده میشود. بدنبال جداسازی ایرلند بعد از جنگ داخلی، مجلس ساخته و در سال ۱۹۲۲ تاسیس شد. به هرحال احزاب سیاسی پروتستان، کاندیدای عضویت در پارلمان شدند و سیستم انتخابات نسبی (PR) که برای پشتیبانی از اقلیت کاتولیک (یک اجتماع که با تبعیض قابل ملاحظه ای در شغل، مسکن، در خدمات عمومی روبرو بود) طراحی شده بود، ملغی شد.

دولت در لندن تا ۵۰ سال بعد توجه کمی به این مسئله نشان داد. اعتراض، شورش و اغتشاش، نافرمانی مدنی و زمانی که اصلاحات در تحقق یافتن شکست خورد آنها را به ملغی کردن استورمونت Stormont منتهی کرد. جنگ و کشمکش مابین گروه های پروتستان و کاتولیک افزایش یافت. گروه های کاتولیک که سابقا مصمم به باقی ماندن بعنوان بخشی از UK بودند بعد ها مصمم به دستیابی به اتحاد با جمهوری ایرلند شدند.

بدنبال آن سالهای زیادی از بی اعتمادی همگانی، خشونت و تروریسم آمد. اما بعد یک مذاکرات آتش بس بوسیله هر دو گروه عمده شبه نظامی

IRA = the Irish Republican Army ارتش جمهوری خواه ایرلند

UDA = the Ulster Defence Association انجمن دفاع اولستر

در جمعه نیک سال ۱۹۹۸ موافقت نامه ای بین احزاب عمده امضا شد که توسط دولت ایرلند و بریتانیا که به طور نزدیک با هم همکاری میکردند، تأیید شد.

بعد از زمان کوتاهی مجلس ایرلند شمالی تاسیس شد. با یک موافقت نامه تقسیم قدرت که در آن احزاب عمده ایرلند وزارتخانه ها را بین خود تقسیم کردند. مجلس ایرلند شمالی دارای ۱۰۸ عضو انتخاب شده است و دارای قدرت تصمیم گیری بر روی موضوعاتی مانند: آموزش و پرورش، کشاورزی، محیط، سلامتی، و تامین اجتماعی در ایرلند شمالی میباشد.

با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی در ایرلند شمالی، دولت UK حق تعلیق مجلس ایرلند شمالی را در صورتی که رهبران سیاسی آن نتوانند در دراز مدت با هم همکاری کنند و یا اگر مجلس ایرلند شمالی در جهت مصالح مردم ایرلند شمالی کار نکند، را برای خود نگه میدارد. این موضوع بارها اتفاق افتاده است.

سازمان های غیر اداری عمومی

Non-departmental public bodies

اکثر دولت ها ما را تحت تاثیر خود قرار میدهند البته این اداره که نه به طور مستقیم است بلکه بواسطه یک دسته بسیار بزرگی از نمایندگی ها با درجات مختلف استقلال میباشد. اینها سازمانهایی میباشند که بخش مستقیمی از خدمات مدنی نیستند اما پارلمان میتواند آنها را ایجاد یا منحل کند ، یا قوانین و قدرت آنها را تغییر دهد. آنها گاهی اوقات **quangos- quasi – autonomous non – governmental organizations** به معنای سازمانهای شبه مستقل غیر وابسته به دولت نامیده میشوند .

چند مثال از سازمان های غیر اداری عمومی :

سازمان های تجاری که توسط دولت مرکزی جهت افزایش درآمد ایجاد میشوند:

دفتر علیا حضرت ملکه (ارتباطات رسمی و غیر رسمی

Forestry Commission

کمیسیون جنگلها،

National Savings Bank

بانک سپرده های ملی

Crown Estates Commission

کمیسیون سلطنتی کشور

پرداخت به نمایندگی ها توسط دولت شامل :

Regional Health Authorities

مراکز بهداشتی محلی

Higher Education

آموزش عالی

Funding Council

هزینه های شوراها

Sports Council

شوراهای ورزشی

Arts Council

شوراهای هنری

Legal Services Commission

کمیسیون خدمات قانونی

Medical Research Council

شورای تحقیقات پزشکی

سازمانهای شبه قضائی و دادستانی شامل :

Monopolies and Mergers Commission

کمیسیون های انحصاری و ادغام شده

Criminal Injuries Compensation Authority

اداره جبران خسارت های جنایی

Police Complaints Authority

اداره شکایات پلیس

Crown Prosecution Service

خدمات دادستانی سلطنتی

سازمان های قانونی مشاوره ای وزرا شامل :

Gaming Board

گروه بازی ها

Health and Safety Commission

کمیسیون بهداشتی و سلامتی

Law Commission

کمیسیون قانون

Commission for Racial Equality

کمیسیون برای برابری نژادی

Equal Opportunities

کمیسیون برای فرصت های مساوی

Advisory Board on Naturalisation

گروه مشاوره ای اتحاد و شهروندی

سازمانهای توسعه

Development agencies

اغلب آنها که به صورت مشارکت بخش خصوصی و دولتی شامل:

Scottish Enterprise

آثار هنری شاهکار های اسکاتلند

Highlands and Islands Development Board (Scotland)

گروه توسعه بخش کوهستانی

وجزایراسکاتلند

Welsh Development Agency

نماینده توسعه ولز

Rural Development Commission

کمیسیون توسعه روستایی

Urban Development Corporations

وچندین منطقه توسعه مناطق شهری

بریتانیا در اروپا و دنیا

BRITAIN IN EUROPE AND THE WORLD

علاوه بر این که تاریخ و فرهنگ بریتانیا با کشورهای دیگر اروپا پیوند خورده است ، دو واقعه که پس از اتمام جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ اتفاق افتاده است ، بریتانیا را به باقیمانده اروپا متصل کرده است.

شورای اروپا

The Council of Europe

شورای اروپا در سال ۱۹۴۹ بوجود آمد و بریتانیا یک از اعضای بنیان گذار آن بود. شورای اروپا یک سازمان با ۵۰ کشور عضو میباشد که برای حمایت از حقوق بشر و جستجوی راه حل های مسائلی که جامعه اروپا امروزه با آن روبروست تشکیل شده است. شورای اروپا قدرتی برای ساختن قوانین ندارد، اما معاهده نامه ها و منشورهایی را تدوین میکند که کشورها موافق پی گیری آن هستند. مثالی از این معاهده نامه ها، کنوانسیون حقوق بشر اروپا میباشد. مصوبه ردیابی دارایی های وابسته و مربوط به جرایم سازمان داده شده، و رهنمودی برای آموزش شهروندی دموکراتیک در مدارس، مثالی از آن معاهده نامه ها میباشد.

اتحادیه اروپا

The European Union

اتحادیه اروپا بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم سازمان داده شد و آن زمانی بود که کشورهای بلژیک، فرانسه، لوگزامبورگ، هلند و آلمان غربی موافقت نامه ای را که تولید ذغال و فولاد، تحت کنترل یک قدرت واحد باشد امضاء کردند.

یک دلیل مهم برای انجام این کار این بود که همکاری بین این کشورها احتمال جنگ دیگری در اروپا را کم خواهد کرد. بریتانیا در ابتدا پیوستن به این اتحادیه را نپذیرفت و فقط در قسمتی از اتحادیه که بعدها به جامعه اقتصادی اروپا معروف شد، عضو شد. در سال ۱۹۷۳، بعد از دو بار وتو توسط فرانسه بریتانیا به اتحادیه اروپا پیوست. در سال ۲۰۰۴، ده کشور جدید عضو اتحادیه اروپا شدند و تعداد اعضا به کل ۲۵ کشور شد.

امروزه، هدف اصلی پشت اتحادیه اروپا این است که کشورهای عضو دارای یک بازار مشترک شوند. برای دستیابی به این هدف، اقداماتی را جهت برداشتن به تدریج موانع تعرفه های گمرکی، کمک به مردم، کالاها، و رفت و آمد آزادانه و آسان بین کشورهای عضو را مطرح کرده اند.

این موضوع مستلزم مقدار زیادی سازماندهی و دادن نظم به تجارت ها و مصرف کنندگان است و این همیشه هم عامه پسند نبوده است.

شهروندان اتحادیه اروپا تا زمانی که تاریخ پاسپورت و یا کارت شناسایی آنها اعتبار دارد، مجاز به مسافرت به هر کشور عضو این اتحادیه هستند . این حق ممکن است فقط به دلایلی مانند سلامتی عمومی ، دستور عمومی و یا امنیت عمومی محدود شود. آنها همچنین اجازه کار در دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را دارند و باید نحوه کار کردن و شرایط آن طبق موازین همان کشور باشد.

شورای وزیران

The Council of Ministers

شورای وزیران یکی از موثرترین بخش های اتحادیه اروپا است . شورای وزیران از وزیران دولت هر کشور عضو تشکیل شده است که به طور متناوب با هم ملاقات دارند و دارای توانایی پیشنهاد قوانین جدید و گرفتن تصمیمات مهم در مورد چگونگی اداره اتحادیه اروپا هستند.

کمیسیون اروپا

The European Commission

مقر کمیسیون اروپا در بروکسل است کمیسیون اروپا همانند خدمات اجتماعی برای اتحادیه اروپا است . کمیسیون اروپا روزانه از نحوه کار سازمان مراقبت می کند . یکی از شغل های مهم کمیسیون اروپا پیش نویس پیشنهادات برای خط مشی و سیاست و قوانین جدید اتحادیه اروپاست .

پارلمان اروپا

The European Parliament

پارلمان اروپا در استراسبورگ در شمال شرقی فرانسه تشکیل جلسه میدهد . اعضاء این پارلمان تقریباً متناسب با جمعیت کشورشان انتخاب میشوند . انتخابات برای اعضاء پارلمان اروپا هر ۵ سال انجام میشود .

اعضاء پارلمان اروپا = Members of the European Parliament (MEPs)

پارلمان روی پیشنهادات ، تصمیمات و هزینه های کمیسیون بررسی دقیق و بحث میکند اما تصمیمات سیاسی نمی گیرد . نمایندگان پارلمان اروپا (MEPs) دارای قدرت نهایی برای رد یا قبول هزینه اتحادیه اروپا هستند (البته هرگز آن را انجام نداده اند) هر چند آن را در سطح بالا نگه داشته اند . هر چند این به عنوان یک تهدید سبب تاثیراتی در چندین بار شده است .

قوانین اتحادیه اروپا

European Union Law

قوانین اتحادیه اروپا یک مرجع مهم قوانین بریتانیا است . قوانین مصوب اتحادیه اروپا عمدتاً متشکل از ۱- قوانین ۲- رهنمود

قوانین

Regulations

قوانین، مقررات مشخصی هستند که از جمله آنها میتوان به محدود کردن ساعتهایی که رانندگان ماشین های حمل کالاها میتوانند کار کنند ، اشاره کرد که اتوماتیک وار در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا اجرا میشود که قوانین مصوب کشورهای عضو را تحت الشعاع قرار میدهد و بوسیله دادگاه ها در هر کشور عضوی قابل پی گیری است

رهنمود

Directives

رهنمود ها که عموماً نیازهایی هستند که بایستی در زمان مشخصی معرفی شوند اما راه انجام آنها به هر کدام از اعضا واگذار شده است به عنوان مثال میتوان به پروسه ای که بایستی شرکت ها به منظور طرح ریزش کارمندان خود انجام میدهند اشاره کرد. کلیه قوانین جدید اروپا ، توسط کمیته پارلمان بررسی میشود که سپس تغییرات و تصحیحات لازم به وزرا یعنی کسانی که تصمیم میگیرند آیا این تغییرات باید انجام یا چانه زنی شود ، توصیه میشود .

کشورهای مشترک المنافع

The Commonwealth

کشورهای مشترک المنافع از امپراطوری سابق بریتانیا که زمانی شامل اکثریت آفریقا ، هند غربی ، کانادا ، شبه قاره هند ، استرالیا و نیوزیلند تشکیل شده است، شامل میشود. از سال ۱۹۴۵ تقریباً همه این کشورها مستقل شده اند و با هم تشکیل یک همکاری سستی را به نام کشورهای مشترک المنافع داده اند که نشان آن یک تاج است .

تنها سازمانی که از سازمان کشورهای مشترک المنافع بزرگتر است سازمان ملل میباشد . کشورهای مشترک المنافع دارای ۵۴ کشور عضو میباشند که با هم ۱/۷ بیلیون (= میلیارد) نفر جمعیت دارند که معادل ۳۰ درصد جمعیت کل جهان را تشکیل میدهند . اهداف کشورهای مشترک المنافع شامل توسعه دموکراسی ، دولت کارآمد و ریشه کنی فقر میباشد . اما قدرتی بر روی اعضاء به جز متقاعد کردن ندارد و تنها بندرت با هم بر روی موضوعات بین المللی کار میکنند .

یک زبان مشترک ، شباهت فرهنگی و شناخت متقابل صلاحیت های حرفه ای کمک بزرگی در رفت و آمد مردم کشورهای مشترک المنافع در مابین کشورهای دیگر عضو است و تاثیر عظیمی بر روی مهاجرت به بریتانیا یا از بریتانیا دارد .

سازمان ملل متحد

The United Nations UN

بریتانیا مانند بیشتر کشورهای دنیا عضو سازمان ملل متحد میباشد . سازمان ملل یک سازمان بین المللی است که برای جلوگیری از جنگ و حفظ صلح و امنیت بین المللی کار میکند . بریتانیا عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است ، وظیفه این شورا پیشنهاد و توصیه عملکرد برای سازمان ملل در وقایع بحرانی بین المللی و تهدید صلح است .

دو سند مهم ارایه داده شده توسط سازمان ملل عبارتند از :

The Universal Declaration of Human Rights

اعلامیه جهانی حقوق بشر

The UN Convention on the Right of the Child

کنوانسیون حقوق اطفال سازمان ملل

میباشد . بریتانیا هر دو این موافقت نامه ها را امضاء و به تصویب رسانده است . هرچند هیچکدام این موافقت نامه ها اجبار قانونی ندارند ولی آنها در قضاوت در مورد رفتار یک کشور بسیار مهم هستند و این موافقت نامه ها به طور فزاینده ای در هم بحث های سیاسی و هم در پرونده های قانونی به جهت تقویت نکات قانونی استفاده میشود .

شهروند عادی

THE ORDINARY CITIZEN

حق رای

The right to vote

چه طور یک شهروند عادی با دولت ارتباط برقرار میکند؟ همان طور که دیدیم دموکراسی کامل، آرام و آهسته وارد بریتانیا شد. فقط در سال ۱۹۲۸ هم مردان و هم زنان در سن ۲۱ سال به بالا به حق رای دست پیدا کردند. البته سن رای از ۱۹۶۹ تا به امروز ۱۸ سال میباشد.

هر دو شهروند بریتانیایی زاده بریتانیا و بریتانیایی به شهروندی پذیرفته شده دارای حق شهروندی کامل و وظایف (مانند خدمات هیئت منصفه)، شامل حق رای در همه انتخابات، تا زمانی که آنها ثبت نام انتخاباتی شده باشند، را دارا میباشد.

مقیمان دائم که شهروند نیستند نیز دارای تمام حقوق مدنی و رفاهی در بریتانیا هستند به جز حق داشتن پاسپورت بریتانیایی و حق رای کلی.

ثبت نام انتخاباتی

The electoral register

به منظور دادن رای در یک انتخابات پارلمانی، محلی یا اروپایی شما باید نام خود را در ثبت نام رای دهندگان قرار دهید که به ثبت نام انتخاباتی معروف است. اگر شما واجد شرایط برای رای هستید شما می توانید در هر زمانی با دفتر ثبت نام انتخاباتی شورای محلی خودتان تماس بگیرید و ثبت نام کنید. همچنین فرم های ثبت نام رای دهندگان انتخابات، به زبان های انگلیسی و ولزی و شماری دیگر از زبانها را میتوانید از طریق اینترنت قسمت کمیسیون انتخابات به آدرس زیر پیدا کنید.

www.electoralcommission.org.uk

به هر حال، ثبت نام انتخاباتی سالیانه به روز میشود و یک فرم ثبت نام انتخابات در سپتامبر یا اکتبر هر سال به همه خانواده ها فرستاده میشود. فرم باید مطابق دستورالعمل پر شود و باید شامل همه افراد واجد شرایط رای که ساکن خانه در روز ۱۵ اکتبر هستند، میشود.

طبق قانون، یک حکومت محلی باید مقدمات ثبت نام انتخاباتی را برای هرکسی که بدنبال آن است را فراهم کند. ثبت نام در دفتر ثبت نام انتخاباتی محلی (یا دفتر شورا در انگلند و ولز) و بعضی ساختمان های عمومی مانند، کتابخانه ها انجام میشود. (هرچند این موضوع همیشه امکان پذیر نیست زیرا طبق درخواست قانون جدید که ثبت نام انتخاباتی باید از هر لحاظ تحت نظارت انجام گردد، و کتابخانه ها همیشه تمام وسایل و منابع مورد نیاز را ندارند)

شما این حق را دارید که نام خودتان را در ثبت نام انتخاباتی بنویسید البته در صورتی که سن شما ۱۸ سال و به بالا باشد و همچنین شهروند UK، کشورهای مشترک المنافع یا کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشید. شهروندان UK، کشورهای مشترک المنافع، و جمهوری ایرلند مقیم در بریتانیا امکان رای در همه انتخابات عمومی را دارند. شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مقیم در یوکی حق رای در تمام انتخابات به جز انتخابات پارلمانی ملی، را دارا هستند.

مشارکت

Participation

تعداد مردمی که در انتخابات پارلمانی در بریتانیا شرکت می کنند چندین سال است که رو به کاهش گذاشته است مخصوصا در بین جوانان. در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۱، کمتر از نیمی از واجدین شرایط رای زیر ۲۵ سال، در رای گیری شرکت کرده بودند. دولت و احزاب سیاسی در جستجوی راهی هستند تا این گرایش را برعکس کنند.

کاندیداتوری برای دولت

Standing for office

شهروندان UK، جمهوری ایرلند، و یا کشورهای مشترک المنافع که ۲۱ سال به بالا سن دارند ممکن است که برای دولت کاندیدا شوند.

هر چند که استثناء هایی وجود دارد که شامل اشراف عضو مجلس اعیان، اعضاء نیروهای مسلح، خدمتگزاران کشوری، و آنهایی که بی تردید به جرم تخلف جنایی و تبهکاری، گناهکار شناخته شده اند، میشود. برای عضو شدن در شورای محلی، یک کاندیدا باید با آن محل ارتباطی داشته باشد، از طریق کار و شغل، بوسیله ثبت نام انتخاباتی در محل، یا از طریق اجاره و یا مالکیت زمین یا مسکنی در همان محل.

هرچند ، این قانون در مورد نمایندگان مجلس عوام (MPs) ، و نمایندگان پارلمان اروپا (MEPs) یا اعضای پارلمان اسکاتلند و یا مجلس ملی ولز و ایرلند شمالی به کار نمی رود. کاندیداها برای نامزد شدن برای این گروه ها باید یک ودیعه ۵۰۰ پوندی بپردازند که این ودیعه در صورتی که کاندیدا کمتر از ۵ درصد آرای اخذ شده حوزه انتخاباتی اش را بدست بیاورد ، قابل برگشت نیست . در مورد ودیعه برای کاندید شدن برای پارلمان اروپا این مبلغ ۵۰۰۰ پوند میباشد . این برای منصرف کردن کاندیداهای بیهوده و بدون امید است ، با این که ، خیلی ها باز شانس خود را آزمایش می کنند .

تماس با اعضا انتخاب شده

Contacting elected members

همه نماینده های انتخاب شده دارای یک وظیفه ارائه خدمات و نمایندگی به نفع رای دهندگان خود هستند. جزئیات تماس با همه نمایندگان شما و احزابشان در کتابخانه های محلی در دسترس است . اعضا، مجلس ملی ولز و ایرلند شمالی ، نمایندگان مجلس عوام ، نمایندگان پارلمان اروپا در کتابچه تلفن و یلو پیج لیست شده است . دسترسی به یک نماینده مجلس عوام که ممکن است در محل کارش در دفتر حوزه انتخاباتی اش و یا در دفتر کار خود در مجلس عوام باشد بوسیله تلفن یا نامه ممکن است .
آدرس : مجلس عوام ، وست مینستر ، لندن

House of Commons, Westminster, London, SW1A 0AA
Tel: 020 7219 3000

بسیاری از نمایندگان مجلس و مجلس عوام و نمایندگان پارلمان اروپا به طور معمول دارای ملاقات عمومی در اغلب صبح های شنبه هستند. آنها در خصوص این موضوع عموماً در روزنامه های محلی آگهی میدهند ، و می پذیرند که موکلین و رای دهندگان به طور شخصی با آنها تماس داشته و موضوعات نگرانی خودشان را ذکر کنند . شما نیز همچنین میتوانید نام نماینده مجلس عوام خود را و طریقه دسترسی به آنها را بوسیله فکس در وب سایت زیر پیدا کنید .

www.writetothem.com

این خدمات رایگان میباشد.

ترجمه : و- ت

مطالب فوق ترجمه ۳ بخش از کتاب زندگی در انگلستان منتشره توسط وزارت کشور بریتانیای کبیر میباشد.

توجه

هرگونه کپی برداری از مطالب فوق تابع قانون کپی رایت میباشد و پیگرد قانونی دارد. مطالب فوق قابل استفاده شخصی بوده و هرگونه استفاده تجاری از مطالب مندرج پیگرد قانونی دارد.